

زنده گی مثل دو چرخه سواری می ماند، برای حفظ تعادل همیشه باید در حرکت بود!

www.mandegardaily.com

سال ششم: شماره یک هزار سه صد و بیست و پنج: سه شنبه ۳ سرطان / تیر ۱۳۹۳: ۲۵ شعبان المعظم ۱۴۳۵: ۲۴ جون ۲۰۱۴

چوپان بزرگ کنار رفت اما... رهبری موجود باید کنار رود



احمدولی مسعود

بحران انتخاباتی در کشور، اگر به شکل فوری، مدیریت سالم و قناعت بخش نگردد، نه تنها انتخابات را عملاً از «فرصت» به «تهدید» مبدل خواهد ساخت؛ بل نفس انتخابات را نیز با یک...



مشقه

داکتر عبدالله عبدالله:

از یک رأی مردم هم نمی گذرم!



افغانستان هم دفاع خواهد کرد. او در پیوند به...

ادامه صفحه ۶

پس از افشای اسناد تقلبش از سمتش استعفا داد. نمایندگان شورای ملی به داکتر عبدالله: از برخورد نرم دست بردار! در این حال، ده هاتن از نمایندگان شورای ملی افغانستان روز گذشته در نشستی از داکتر عبدالله عبدالله خواستند تا از برخورد نرم در مقابل تقلب های گسترده در انتخابات دست بردارد. این نمایندگان تأکید کردند که اجازه نخواهند داد تقلب سرنویشت مردم افغانستان را تعیین کند. داکتر عبدالله عبدالله در پیوند به نگرانی های اعضای شورای ملی گفت که از یک رأی مردم

داکتر عبدالله عبدالله نامزد انتخابات دور دوم ریاست جمهوری با اشاره به استعفا رییس دبیرخانه کمیسیون انتخابات گفت: هر کسی که در تقلب و مهندسی انتخابات دست دارد، باید مطابق قانون به مردم افغانستان پاسخگو باشد. آقای عبدالله روز گذشته در یک نشست خبری گفت که برکناری امرخیل یکی از شرط های او برای ورود به پروسه انتخابات است و شرط های دیگرش نیز باید پذیرفته شود. ضیاء الحق امرخیل رییس دبیرخانه کمیسیون انتخابات که به تقلب میلیونی متهم شده است،

وزارت خارجه در واکنش به حملات نیروهای پاکستانی:

نیروهای امنیتی منتظر دستور شورای امنیت ملی هستند



سخنگوی وزارت خارجه افغانستان حمله نظامیان پاکستانی با لباس غیرنظامی به خاک کشور را محکوم کرد. شکیب مستغنی سخنگوی وزارت خارجه روز گذشته در جمع خبرنگاران در کابل با اشاره به حمله نظامیان پاکستانی با لباس غیرنظامی به شهرستان دنگام ولایت کتر گفت: افغانستان...

ادامه صفحه ۶

گفت و گوهای افشاده ضیاء الحق امرخیل

برگردان: هارون مجیدی



در ارتباط غزنی صحبت می کردم، والی صاحب همین جا است.

امرخیل: والی را بگو چه می کند در کابل! عضو کمپاین اشرف غنی: همین حالا آمده است؛ این جا کمی کار دارد. امرخیل: برایش بگو فردا که آن جا (غزنی) رفت، کار کند و دیگر این که بالای فرماندانان امنیه هم کار کند. عضو کمپاین اشرف غنی: بله، بله، همین لحظه روی آن صحبت کردیم...

ادامه صفحه ۷

یادداشت: روز گذشته متن پشتوی گفت و گوهای ضیاء الحق امرخیل با مسولان کمپاین اشرف غنی احمدزی و مقام های کمیسیون انتخابات به منظور سازماندهی تقلب در انتخابات به نشر رسید. اینک متن فارسی آن را که روزنامه ماندگار برگردان کرده است، می خوانید. قابل یادداهانی است که امرخیل روز گذشته پس از نشر فایل صوتی اش وادار به استعفا شد.

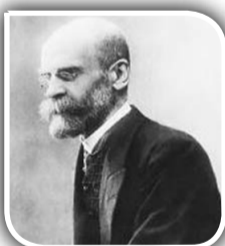
گفت و گوی تلفونی امرخیل با یکی از اعضای کمپاین داکتر اشرف غنی احمدزی:

امرخیل: بله، سلام علیکم! عضو کمپاین اشرف غنی: بله سلام!... سلام برادر! جور و خوب هستی، صحتت چه طور است؟ امرخیل: چه طور هستی، کارهایت خوب است؟ عضو کمپاین اشرف غنی: ولا خوب است. همین حالا

در برگ ها



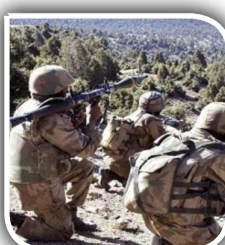
سقوط اخلاقی و سیاسی «تحول و تداوم»



سیری در جاذبه های فکری امیل دورکیم



درهم آمیزی فلسفه و ادبیات



ارتش پاکستان به ساکنان وزیرستان شمالی: منطقه را ترک کنید

رزاق مامون

سقوط اخلاقی و سیاسی «تحول و تداوم»



سخن ماندگار

استعفای امرخیل کافی نیست!

یادداشت مدیر مسوول:

«آقای رزاق مامون، از روزنامه‌نگاران معروف کشور است و حالا در بیرون از کشور به سر می‌برد. او بر من حق استادی دارد و از وی فراوان اموخته‌ام. آقای مامون، اخیراً و در جریان مبارزات انتخاباتی، به نفع آقای اشرف غنی احمدزی و تیم تحول و تداوم، قلم‌های زیادی زده است و آن‌ها را در وب‌سایتش به نشر رسانده است؛ اما پس از افشای گفت‌وگوهای تلففونی آقای ضیاءالحق امرخیل، رئیس پیشین دارالانشای کمیسیون مستقل انتخابات، مقاله‌یی را به نام «سقوط اخلاقی و سیاسی تحول و تداوم» به نشر رسانده است که نشان می‌دهد نشر این سند، مدافع سرسخت تیم تحول و تداوم را در برابر این تیم قرار داده است. این برخورد حکایت دارد که دیگر مدافعان تیم تحول و تداوم نمی‌توانند بر هر غلطی مهر صحت بزنند و ناچارند راه خود را از چاه جدا سازند.»

تاریخ به هیچ خائنی رحم نمی‌کند. هیزم جنگ ابدی در افغانستان، نژادپرستی و جهالتی‌ست که مهر ناکامی دست‌کم یک‌صدساله بر جبین دارد.

سندی شنیداری که از امرخیل رو شده، فرصت توجیه و تبرئه را از هر مدافع «سیاسی» یا «شخصی» گرفته است. من صورت مکالمات را حتا با پیش‌فرض هشناد درصد شک و تردید نسبت به قبول اتهام‌های وارده بر امرخیل شنیدم. متأسفانه ابعاد مکالمات (از نظر کاربرد واژه‌ها، سیاق گفتار، آهنگ طبیعی گفتار، احساس ویژه و مبادله حس مشترک دو طرف گفت‌وگوکننده) گواهی می‌دهند که یک فرد با سوءنیتی تکان‌دهنده از جایگاه رفیع یک فرد «مسوول» دولتی، به امانت مردم خیانت کرده و به نیاز تاریخی و ملی مردم افغانستان، به گونه‌یی فوق تصور، پاسخ خایانه داده و برای ابد، روی خود را سیاه کرده است. این شخص پروسه تاریخی اعتمادسازی بین اقشار مختلف مردم را به لجن آلوده است.

این ضربت، تنها بر پیکر حساس آرزوهای ملیونی برای پی‌ریزی یک سنت مشروع و مردم‌سالار در تاریخ کشوری استبدادزده و عقب‌نگه‌داشته شده، حواله نشده؛ بل این اقدام بر حیثیت دکتر اشرف غنی و تیم «تحول و تداوم» زخم ناسوری زده است که اگر به‌موقع به‌طور رسمی از این آلوده‌گی تبرا نجویند، در گودال یک بدنامی دایمی نگون‌سار خواهند شد!

هیچ‌کس مدعی نشده که چنین خیانتی در چهارچوب مدیریت آگاهانه شخص دکتر غنی انجام گرفته، اما دفاع نفرت رده‌دوم «تحول و تداوم» از یک‌چنین «خیانت ملی»، شک و گمان‌ها را قوت می‌بخشد که مجموعه رهبری تیم «تحول» در پس این خبط غم‌انگیز قرار داشته‌اند. این قضیه، هم‌تباران امرخیل را نیز به ریسمان یک عذاب وجدان و بلا تکلیفی در پیچیده است؛ اما خیانت به مصالح عمومی به وسیله یک «فرد» یا دسته‌یی تب‌زده و محدود، هرگز مشمول کلیت یک جریان قومی نمی‌شود.

پشتون و غیرپشتون در هر دو تیم سیاسی بسیار اند و باید قضاوت را بر وجدان فراتباری جامعه کشور متمرکز کرد. افتضاح امرخیل به‌حدی شرم‌آور و غیرقابل توجیه است که حتا کاربران نقاب‌دار مدافع امرخیل و هیستری‌های قومی در شبکه‌های مجازی که همواره دهان بی‌لگام به اهانت یکدیگر می‌گشایند؛ در موضع انفعال قرار گرفته‌اند. به‌راستی شدت انفجار بی‌باوری نسبت به پروسه جاری انتخابات، خود یک حادثه سیاه در تاریخ سیاسی افغانستان به‌شمار می‌رود.

وقتی به نیاز حیاتی و تاریخی میلیون‌ها انسان در افغانستان برای پی‌ریختن یک سازوکار مشروع حاکمیت بر اساس باورمندی متقابل و مفید می‌اندیشیم، و درعوض، می‌بینیم کسانی به‌طور مهندسی‌شده در جایگاه حساسی نصب شده‌اند تا امیدها، فداکاری‌ها و پریشانی مردم را از ریشه بزنند؛ سخت هشداردهنده است و از توفان وحشت در آینده خبر می‌دهد. چه کسانی، امرخیل را گزیده و به این مسند آورده‌اند؟... تا جایی

که من مطلع هستم، امرخیل پس از تأیید و مشورت‌های فشرده بین حامد کرزی و معاونانش، به این مقام منصوب شده است. این‌که این برداشت وجود دارد که امریکا به پیروی از سیاست خارجی خویش در حوزه افغانستان، ترجیح می‌دهد دکتر اشرف غنی بر صحنه رهبری سیاسی در کابل ظاهر شود؛ نباید چنین تفسیر شود که امریکا به هر قیمتی حاضر است رهبری سیاسی در افغانستان را به گونه‌یی برنامه‌ریزی شده، «مهندسی» کند. امریکا دیگر حاضر به پرداخت هزینه سرسام‌آور انسانی و مالی نیست.

حالا که یک نوع انفجار بی‌باوری در جامعه ایجاد شده و خطر درگیری‌ها در همه جا افزایش یافته، کمترین برده‌پوشی و یا رفتن به خط جهالت سیاسی از سوی ارگ، هستی افغانستان را با خطر تجزیه و تباہی جبران‌ناپذیر روبه‌رو می‌کند. در این ماجرا با فرهنگ ارزشی‌یی که بنیاد هم‌پذیری داوطلبانه در کشور را باید طراحی کند، در کمال بی‌عرضه‌گی بازی شده است.

ملل متحد و امریکایی‌ها نیز در یک موقعیت گیج‌کننده قرار گرفته‌اند. چنین تخطی برای هیچ مرجعی قابل قبول نیست. برای ترمیم حس اعتماد در سطح جامعه، نخستین کاری که باید و به‌سرعت صورت داده شود، معرفی امرخیل به دادگاه علنی است و مطابق تعاریفی که از خیانت ملی در قوانین نافذه مندرج است، به پرونده‌اش رسیده‌گی شود. دومین موضوع این است که تیم تحول و تداوم رسماً تکلیف خود را در دفاع یا انصراف از امرخیل مشخص کند. در غیر این صورت، به باور بنده، توفان غریب‌ونده جنگ و تقابل کوچک به کوچک، شهر به شهر در راه است که هیچ نیرویی حتا امریکا و ناتو قادر به کنترل حرکت بعدی خشم عمومی نخواهد بود. ناتو و امریکا برای دفاع از امرخیل‌ها به افغانستان نیامده‌اند. امرخیل برای دفاع از دکتر اشرف غنی، چنان به دور خود چرخیده که به‌جای محو معاندان، اعتبار و حیثیت خود آقای غنی را متلاشی کرده است.

دیروز، ضیاءالحق امرخیل، رئیس دبیرخانه کمیسیون مستقل انتخابات، استعفا داد. استعفای آقای امرخیل، اعتراف به تقلبی بزرگ و ملیونی در انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان است. استعفای امرخیل برخلاف سخنان خودش و رئیس کمیسیون انتخابات، به رضایت خودش نیست. در قدم نخست، بعد از کشف تقلب‌های کلان آقای امرخیل، توسط پولیس کابل، داکتر عبدالله نامزد پیشتاز، برکناری او را پیش‌نهاد کرده بود. نامزد پیشتاز تا برکنار شدن او، با کمیسیون انتخابات مقاطعه کرده بود و در پیوند به آن اعتراض‌های مردمی در سراسر کشور شکل گرفته بود و در ادامه این اعتراض‌ها نشر گفت‌وگوهای تلففونی امرخیل، مبنی بر سمت سو دهی تقلب در انتخابات، یک روز قبل از استعفا، دیگر آبرویی به کمیسیون مستقل انتخابات نگذاشته بود.

بنابراین، حالا که آقای امرخیل - با توجه به تحلیل‌هایی که صورت گرفته است - به هدایت رئیس‌جمهوری، مجبور به استعفا شده است، به معنای آن نیست که پرونده تقلب در انتخابات ریاست‌جمهوری، بسته می‌شود.

حالا زمان آن فرا رسیده است که ضیاءالحق امرخیل به عنوان، مسوول مستعفی و مورد اتهام در کمیسیون انتخابات، باید ممنوع‌الخروج شده و به دادگاه کشانده شود؛ اصلاحات لازم در بدنه دارالانشای کمیسیون مستقل انتخابات صورت گیرد؛ کسانی که امرخیل را در پروسه تقلب همراهی و حمایت می‌کردند، باید افشا شوند و در ادامه کار، کمیسیون انتخابات باید با ابطال تمام آرای غیر واقعی، بحرانی را که خود آفریده خود مهار و وضع را به حالت طبیعی خود برگرداند تا این‌گونه حق به‌حق‌دار برسد.

افشای اسناد و سرانجام استعفای آقای امرخیل، ثابت کرد که ادعای تیم اصلاحات و همگرایی بر حق است و باید که ادامه کار با شفافیت تمام صورت گیرد.

کا لویی مدهون - دویچه وله

غرب باید با بحران عراق عملگرایانه برخورد کند



پیشروی ملیشه های گروه تروریستی داعش در عراق مرزهای ساختگی خاورمیانه را به لرزه درآورد.

در این زمینه که پیشرفت غیرمنتظره ملیشه های افراطی داعش در عراق باعث یک سلسله از جا به جایی های سیاسی و جغرافیایی در خاورمیانه شده، شکی وجود ندارد. در طول چندین روز، این جهادی های عصر حجری موفق شدند کنترل بخش های زیادی از غرب عراق را بدون هیچ مقاومت قابل ذکری از سوی اردوی عراق در دست گیرند. شهر موصل نیز در میان این مناطق تصرف شده است که دومین شهر بزرگ عراق می باشد.

در این میان، جنگجویان داعش قدرت شان را در غرب عمدتاً سنی نشین عراق تحکیم بخشیده اند. آن ها مدتی است که بخش های بزرگی از شرق سوریه را در امتداد فرات کنترل می کنند. افزون بر این، آن ها یک مرز مهم استراتژیک با سوریه را تصرف کردند. به این ترتیب بخش عمده مرز میان عراق و سوریه دیگر وجود ندارد.

آیا از هم پاشیدگی رو به افزایش عراق (و سوریه) نشاندهنده پایان عصر موافقتنامه سایکس-پیکو است؟ به هر صورت شمار بسیاری از ناظران و کارشناسان خاورمیانه اینگونه ادعا می کنند. اگر این طور است، پس از این تحولات چه تغییری در منطقه رخ می دهد؟

سیستم مرزبندی و تاسیس کشور در خاورمیانه به توافقنامه سال ۱۹۱۶ برمی گردد که توسط مارک سایکس و فرانسوا ژرژ-پیکو امضا شده است. جغرافیای سیاسی منطقه تا امروز از این موافقتنامه متأثر بوده است. کشورهای کنونی میان بحیره مدیترانه و دریای دجله به عنوان نتیجه این موافقتنامه و دیگر قراردادهایی ایجاد شدند که پس از جنگ جهانی نخست به امضا رسیدند.

دولت های شکننده به نظر می آید که پیشروی ملیشه های داعش در عراق یک تهدید جدی ترور برای منطقه است. اما بررسی دقیق تر نشان می دهد که تحولات کنونی عمدتاً نشاندهنده مشکلات عمیق تر در خاورمیانه هستند.

مشکل اصلی همچنان شکنندگی بسیاری از کشورها می باشد. بهار عرب نشان داد که این کشورهای عرب پسا استعماری به خصوص در موارد لیبیا و

رییس جمهوری لیتوانی:

پوتین شبیه هیتلر و استالین است



رییس جمهوری لیتوانی تاکتیک های ولادیمیر پوتین را مشابه روش های بکار رفته از سوی هیتلر و استالین دانست و گفت: مسکو تلاش می کند تا کشورهای بالتیک را برای خروج از ناتو متقاعد کند و در ازای آن نفت و گاز ارزان بدهد.

دالیا گریباسکایتیه، رییس جمهوری لیتوانی در مصاحبه با مجله آلمانی فوکوس گفت: ولادیمیر پوتین، رییس جمهوری روسیه از ملیت به عنوان بهانه ای برای تصاحب اراضی از طریق نظامی استفاده می کند. این دقیقاً همان کاری است که هیتلر، رهبر نازی های آلمان و استالین انجام دادند. چنین مقایسه هایی کاملاً درست است.

گریباسکایتیه تاکید کرد که روسیه می خواهد که در سرزمین هایی که زمانی جزو شوروی بودند، نفوذ کند و از سوی دیگر کشورهای منطقه بالتیک را از لحاظ اقتصادی به خود وابسته کند و این اقدامات را به بهانه سیاست های انرژی انجام می دهد. وی گفت: روسیه می خواهد که کشورهای حوزه بالتیک - لئون، لیتوانی و استونی - به اعضای غیرقابل اعتماد ناتو و اتحادیه اروپا تبدیل شوند.

خانم دالیا گریباسکایتیه عنوان داشت: طبق اطلاعات ما، روسیه پیشنهادهایی به کشورهای بالتیک داده است در صورتی که این کشورها از ناتو خارج شوند، نفت و گاز ارزان به آنها می دهد.

هیگ:

اتحادیه اروپا آماده تحریم های بیشتر علیه روسیه است

وزیر امور خارجه انگلیس روز دوشنبه به روسیه هشدار داد: اتحادیه اروپا در صورت لزوم آماده اعمال تحریم های بیشتر علیه مسکو به خاطر بحران اوکراین است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، ویلیام هیگ، وزیر امور خارجه انگلیس پیش از نشست وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ گفت: ۲۸ کشور این اتحادیه احتمالاً به دنبال مشاهده چگونگی واکنش مسکو به برنامه صلح اوکراین و آتش بس یک جانبه پیش از تصمیم گیری برای روسیه هستند. در چند روز آینده، رهبران اتحادیه اروپا در بروکسل گرد هم می آیند تا درباره اعمال تحریم های بیشتر علیه روسیه تصمیم گیری کنند.

وزیر امور خارجه انگلیس به خبرنگاران گفت: ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه نباید در این باره شک کند که ما در اتحادیه اروپا آماده اعمال تحریم های بیشتر هستیم. کارهای زیادی برای اعمال تحریم های بیشتر و گسترده تر علیه مسکو صورت گرفته است. به عقیده من ما تا روز جمعه واکنش روسیه را در قبال برنامه صلح دولت کی یف مشاهده می کنیم.

در همین راستا، ویلیام هیگ با بیان این که راه حل امنیتی در عراق بدون راه حل سیاسی به موفقیت نخواهد انجامید، عنوان داشت: مواضع در عراق باعث نگرانی شدید تمام کشورهای اروپایی شده است.

وی تصریح کرد: من با جان کری، وزیر خارجه آمریکا درخصوص اوضاع عراق گفتگو کردم و همه ما پیام وی به عراق مبنی بر این که وحدت سیاسی در عراق وجود دولتی گسترده، اموری اساسی برای مبارزه با اقدامات تروریستی داعش است، تایید می کنیم.

هیگ عنوان داشت: علاوه بر راه حل امنیتی، نیازی به راه سیاسی در عراق وجود دارد، راه حل امنیتی بدون راه حل سیاسی و بدون وحدت سیاسی میان اهل تسنن و تشیع موفقیت آمیز نخواهد بود. اتحادیه اروپا بیشتر به اعمال چند دور تحریم علیه روسیه به خاطر اقداماتش و اوکراین دست زده اما همچنان بر سر اعمال تحریم های اقتصادی دچار اختلاف است چرا که برخی از کشورهای عضو بیم آن را دارند که تحریم های اقتصادی باعث مخدوش شدن صادرات نفت و گاز از جانب روسیه به کشورهای عضو اتحادیه اروپا شود.

های واقع عملگرایانه ایجاد شوند.

به هر صورت، گویا رهبران در تهران و ریاض متوجه شده اند که جهادی های داعش خطر جدی برای هر دو کشور می باشند. آن ها مطمئناً نمی خواهند که کشورها در منطقه از هم بپاشند.

غرب با توجه به موقف ضعیف کنونی اش، نمی تواند نظم و ترتیب در خاورمیانه را از بیرون پابرجا نگهدارد. غرب باید به جای این، بر قدرت های محلی تکیه کند. ایالات متحده باید از گفتگوهای مستقیم میان روحانی، رییس جمهور ایران و عبدالله، پادشاه عربستان سعودی حمایت کند تا به این ترتیب یک حکومت اتحاد ملی در عراق امکان پذیر شود. نیازی به گفتن این نیست که نوری المالکی با اجرای سیاست هایش شکست خورده و نباید شامل این گفتگوها گردد.

این گفتگوها در بهترین صورت می تواند نخستین مرحله به سوی ایجاد یک چارچوب همکاری در خاورمیانه باشد. شکی در این وجود ندارد که نمی توان با اشتراک جهادی ها دولت تشکیل داد و به همین دلیل گفتگوها در مورد پایان موافقتنامه سایکس-پیکو زود هنگام می باشد.

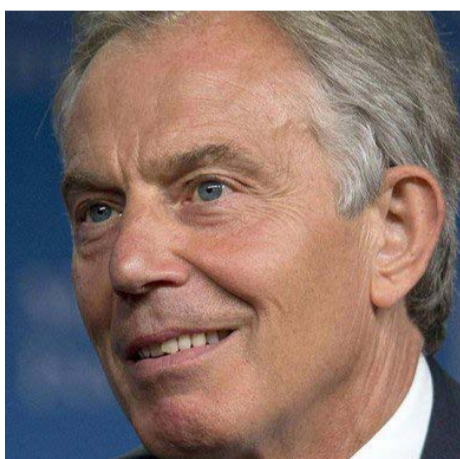
سوریه چقدر ضعیف هستند.

پیش از این حکومت بدون صلاحیت بوش، عراق را با یک سلسله از اشتباهات بی سابقه بار بار به هرج و مرج کشاند. افزون بر این، ثابت شد که حمایت امریکایی ها از نوری المالکی یک اشتباه مرکزی بوده است. این نخست وزیر شیعه با سیاست های فرقه گرایانه اش بیشترین مسئولیت را در دوری سنی ها و کردها از حکومت و از هم پاشیدگی احتمالی عراق پسا صدام دارد. سیاست محروم کردن اقلیت ها زمینه مساعد را برای پیشروی داعش و دیگر گروه های جهادی را ایجاد کرد.

به ائتلاف های عملگرایانه نیاز است افزون بر این منازعه ها، میان ایران و عربستان سعودی نیز جنگ قدرت جریان دارد. این منازعه سلطه جویانه حس دشمنی میان سنی ها و شیعه ها را تقویت می کند. از رقابت ها میان این دو فرقه مذهبی به عنوان ابزار سیاسی استفاده می شود و از هر گونه نزدیکی عملگرایانه میان گروه های متخاصم برای پایان دادن به این منازعه جلوگیری می کند.

پس از شکست در سوریه و برای کاهش خطر منازعه های فرا ملی از سوی داعش، باید ائتلاف

اعتراف بلر به ارتباط شرایط کنونی عراق با حمله ۲۰۰۳



خورده بودند. جنگ داخلی در سوریه به آنها اجازه داد دوباره روی پاهایشان بایستند.

نخست وزیر سابق انگلیس گفت: عدم مداخله در کشورهای مثل سوریه همانقدر به اندازه ورود به جنگ در عراق بد است.

وی تصریح کرد که امروز چالش افراطگرایی در سراسر جهان است که باید آن را شکست داد اما باید دانست که اکثر مسلمانان خواهان دیکتاتور و یا تروریست ها نیستند و باید از آنها برای تشکیل یک دموکراسی حمایت کرد. تونی بلر همچنین تصریح کرد که امروز بزرگترین نگرانی بازگشت افراط گرایان از سوریه است.

وی همچنین از انگلیس خواست اگر آمریکا در عراق دست به اقدام نظامی بزند از آن حمایت کند. او گفت: این به نفع ما است که جلوی این افراطگرایان را بگیریم، آنها آماده هستند که با ما بجنگند و اگر جلوشان گرفته نشود این کار را انجام خواهند داد.

تونی بلر سرانجام اعتراف کرد که سرنگون کردن صدام تا حدودی عامل بحرانی است که امروز در عراق دیده می شود.

به نوشته روزنامه دیلی میل، تونی بلر، نخست وزیر سابق انگلیس در مطلبی برای روزنامه فایننشال تایمز نوشت: این پوچ است که بگوئیم جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ هیچ ارتباطی با آشوبی که امروز در این کشور دیده می شود ندارد.

نخست وزیر سابق انگلیس در حالی اذعان به این حقیقت کرده که چند روز پیش مدعی بود حمله آمریکا به عراق ارتباطی با بحرانی که امروز در عراق دیده می شود، ندارد. بلر نوشته است: این بحران تأثیر قابل پیش بینی و بد بحرانی است که در سوریه وجود دارد.

تونی بلر در مطلب جدید خود که امروز منتشر کرد، آورده است: البته باید پذیرفت که عراق ۲۰۱۴ هنوز متأثر از سرنگونی صدام در ۱۱ سال پیش است و هر چه غیر از این بگوئیم - همانطور که من پیش از این در سرمقاله این روزنامه نوشتیم - بی معنی است.

با این حال تونی بلر تاکید کرد که دلیل اصلی بحران امروز در عراق جنگ داخلی در سوریه است که تاکنون غرب نتوانسته آن را متوقف کند.

تونی بلر مدعی شد القاعده در عراق هفت سال پس از حمله سال ۲۰۰۳ به این کشور شکست خورده بود اما کوتاهی غرب در جلوگیری از درگیری های فرقه ای در سوریه جان تازه ای به آن داده است.

تونی بلر اضافه کرد: ما نمی توانیم این حقیقت را نادیده بگیریم که گروه داعش مشغول پیشروی در سراسر عراق است به دلیل آشوب در سوریه خود را بازسازی کرده و عملیات عراق را سازماندهی کرده است. داعش و دیگر گروه های وابسته به القاعده در عراق چهار سال پیش پیششان به خاک مالیده شده بود و کاملاً از سوی ائتلاف نیروهای امریکایی و انگلیسی و قبایل سنی شکست

لاوروف آتش بس در اوکراین را شرط لازم مذاکره میان طرفهای درگیر دانست

وزارت امور خارجه روسیه روز دوشنبه اعلام کرد سرگی لاوروف در جریان گفتگو با همتای آلمانی خود بر لزوم آتش بس پایدار در جنوب شرق اوکراین به عنوان شرط مذاکرات میان طرفهای درگیر تاکید کرده است.

به گزارش خبرگزاری ریانووستی، وزارت امور خارجه روسیه در بیانیه ای گفت: در جریان گفتگو میان سرگی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه و همتای آلمانی وی تاکید شد که در مرحله فعلی لازم است دست کم آتش بس پایدار اجرا شود تا بتوان اقدامات عملی را در جهت گفتگو میان مقامات کی یف و نمایندگان معترضان در جنوب شرق اوکراین صورت داد.

براساس این بیانیه، این گفتگو همچنین به بحث در خصوص نقش سازمان امنیت و همکاری اروپا در ایجاد اعتماد میان طرفهای درگیر در اوکراین، لزوم پیدا کردن راه حل عادلانه برای مشکل گاز و همچنین انجام رایزنی های ممکن در سریع ترین زمان میان مسکو، کی یف و بروکسل به منظور بررسی چگونگی تأثیر توافق همکاری میان اوکراین و اتحادیه اروپا پرداخت. روز جمعه پترو پروسچنکو، رییس جمهوری اوکراین خواهان آتش بس یک جانبه به مدت یک هفته در این کشور شد و آنرا برای همه واحدهای نظامی درگیر در عملیات ویژه در شرق اوکراین قابل اجرا دانست.

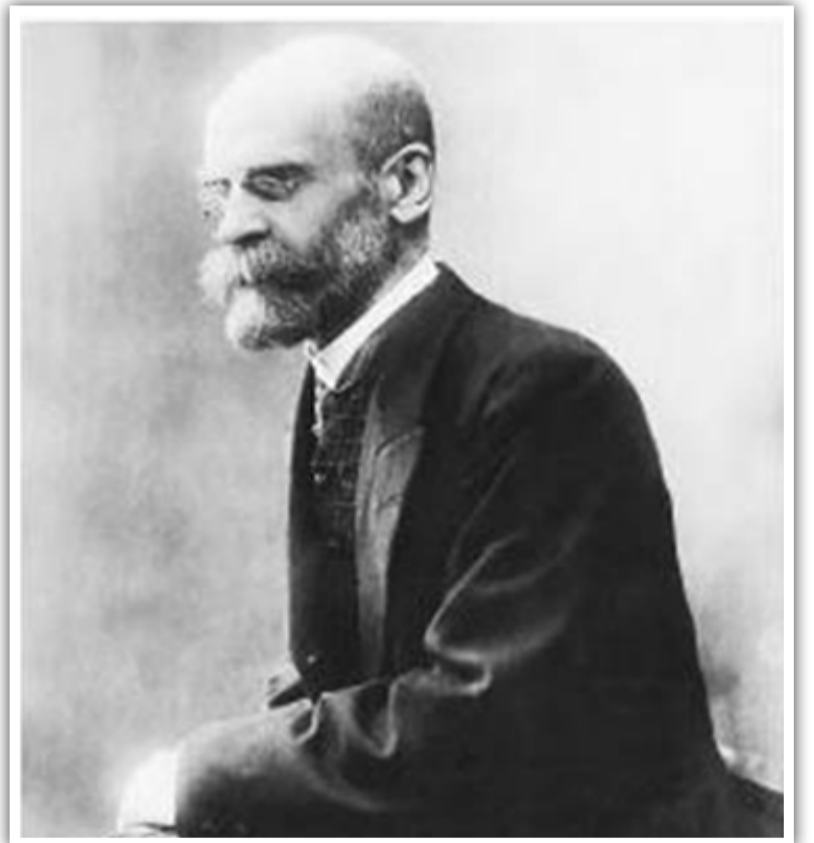


سیری در جاذبه‌های فکری امیل دورکیم

سینا کلهر

پارادایم نظم و بی‌نظمی، مسأله دورکیم است. پرسش مهمی که در مقاله حاضر، نویسنده تمایل دارد به آن پاسخ گوید، راجع است به این‌که آیا ابتدا پروژه نظم در جوامع مکانیکی تعریف شده و سپس مردمان اراده کرده‌اند بر اساس نشانه‌ها، راه خود را بیابند و به جامعه ارگانیک قدم بگذارند؟ از منظر وی، دو پارادایم نظم ارگانیکی و مکانیکی واجد چه ویژگی‌هایی بوده و آیا با تغییر نسل، دچار تغییر می‌شوند؟ جمعیت، اخلاق و نوع روابط در هر یک از دو نظم دارای چه معنایی هستند و آیا از نظر دورکیم، تفکیک ساختی و تقسیم کار اجتماعی، راه‌حلی است برای بحران‌های جوامع مکانیکی؟... پاسخ به پرسش فوق، مقصود مقاله حاضر است. همان‌طور که ادواردا تیریاکیان می‌گوید: «در باره امیل دورکیم نظری بدیع و مهیج اظهار کردن، کاری ساده نیست. هرگاه بخواهیم او را به دانشجویی مبتدی معرفی کنیم، احتمالاً شوق زیادی در او نخواهیم یافت؛ زیرا از نظر این دانشجو آنچه او نوشته، کهنه و سبک نگارش سرد و بی‌روح است» (۱). اگر نوشته‌های دورکیم برای دانشجویان مبتدی سرد و بی‌روح باشد، پرسشی که مطرح می‌شود

همانند یکدیگر بوده، احساسات واحدی داشته و به ارزش‌های واحدی وابسته باشند. در چنین حالتی آن‌ها معمولاً مفهوم مشترکی از تقدس دارند و به این دلیل، انسجام و هم‌بستگی در بین آن‌ها وجود دارد که تمایز اجتماعی در دورکیم به این پرسش که چرا در جوامع کهن یا صنعتی‌نشده نظم اجتماعی وجود دارد، این است که در این جوامع، به دلیل شباهت‌های اساسی همه افراد جامعه به یکدیگر، انسجام اجتماعی، پایدار می‌ماند. اما حالت متضاد این هم‌بستگی، در جوامعی رخ می‌دهد که در آن جوامع، تمایز اجتماعی در بین افراد جامعه وجود دارد. افراد این جوامع با یکدیگر متفاوت بوده و همانند یکدیگر نیستند. در چنین شرایطی تنها هم‌بستگی ارگانیکی می‌تواند باعث انسجام اجتماعی افراد شود. هم‌بستگی ارگانیکی یا اندامی به این مسأله اشاره دارد که در این جوامع، تمام اجزا و عناصر جامعه برای حیات جامعه کل، ضروری است. به نظر دورکیم پیش‌شرط لازم برای تحقق هم‌بستگی ارگانیکی، تمایز مشاغل از یکدیگر و متنوع شدن و متعدد شدن فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی است که به دنبال آن هم پاشیده‌گی هم‌بستگی مکانیکی جامعه پدید می‌آید. (۳)



وجدان جمعی

دورکیم علاوه بر این دو مفهوم که ناظر بر دو نوع نظم متفاوت است، بر مفهوم دیگری نیز بسیار تأکید داشت؛ به نظر او هر جامعه، دارای یک «وجدان جمعی» است. وجدان جمعی، مجموعه باورها و احساسات مشترک در بین حد وسط اعضای یک جامعه است. اگرچه دورکیم بر این باور بود که وجدان جمعی در احساسات و باورهای حاضر در وجدان‌های فردی وجود دارد، اما همان‌طور که آرون معتقد است، به لحاظ تحلیلی، وجدان جمعی، قوانین خاص خود را داشته و از وجدان‌های فردی متمایز است. (۴) به عبارتی دیگر، وجدان جمعی حاصل جمع وجدان‌های فردی نیست، بلکه دارای ویژگی‌ها و خصایصی است که باعث می‌شود تا به عنوان یک واقعیت متمایز در نظر گرفته شود. بنابراین دورکیم به دو نوع واقعیت مادی و غیرمادی اعتقاد دارد که وجدان جمعی، نمود واقعیت غیرمادی است. (۵) «در واقع وجدان جمعی از شرایط خاصی که افراد در آن قرار دارند مستقل است؛ افراد می‌گذرند، ولی وجدان جمعی باقی می‌ماند. وجدان جمعی در شمال و جنوب، در شهرهای بزرگ و کوچک و در حرفه‌های متفاوت همواره یکی است... با هر نسل عوض نمی‌شود بلکه برعکس، پیوندهنده نسل‌های متممادی به

این است که آیا دورکیم برای غیرجامعه‌شناسان می‌تواند جاذبه‌ی داشته باشد؟! در قیاس با کلاسیک‌هایی چون مارکس و وبر و معاصرانی چون هابرماس و گیدنز، دورکیم چهره ناشناخته‌تری محسوب می‌شود! شاید یکی از دلایل اصلی این امر، پای‌بندی بسیار زیاد او به امر علمی کردن و علمی بودن رشته جامعه‌شناسی باشد. دورکیم در معنای واقعی کلمه، یک جامعه‌شناس علمی است. زبان و نوشته‌های او سرشار از روح علمی بوده و روش‌های به کار رفته در آثار او در قالب پارادایم نظم، چهره‌ی تجربه‌گرایانه و اثبات‌پذیر به خود می‌گیرد. مسأله محوری و اساسی‌یی که دورکیم درباره آن می‌اندیشید، از دیدگاه آرون «مناسبات افراد با اجتماع» بود. او درصدد بود تا دریابد «چه‌گونه مجموعه‌یی از افراد می‌توانند جامعه را تشکیل دهند؟» (۲)

دو نوع هم‌بستگی

در پاسخ به این پرسش بنیادی بود که دورکیم دو نوع هم‌بستگی را برای هر جامعه برشمرد. به نظر دورکیم، در هر جامعه‌یی - در شرایطی که نظم حاکم باشد - می‌توان دو نوع هم‌بستگی را تشخیص داد: هم‌بستگی خود به خودی یا مکانیکی و هم‌بستگی اندامی یا ارگانیکی. زمانی در یک جامعه هم‌بستگی از نوع مکانیکی آن وجود دارد که افراد آن جامعه

پوستی شاداب با نوشیدن چای سبز



از دیرباز، نوعی نوشیدنی گیاهی به نام چای سبز در چین باستان مرسوم بود. در دنیای مدرن امروز، این نوشیدنی به عنوان نوشیدنی سالم و به دلیل اهمیت ویژه این گیاه، مورد توجه قرار گرفته است. دلیل عمده این استقبال، آشنایی مردم با خواص شگفت‌انگیز آن از جمله کمک به پیش‌گیری یا بهبود بیماری‌هایی مثل بیماری‌های قلبی، سرطانی، بیماری‌های بیره، پیری پوست و کاهش وزن می‌باشد. انواع مختلف چای از جمله چای سیاه، سفید و سبز، به دلیل تفاوت در مدت جداسازی و تهیه آن می‌باشد. مشتق مهم علمی چای که نوعی ماده‌ی شیمیایی گیاهی است، پلی‌فنول می‌باشد. پلی‌فنول‌های موجود در چای، زیرمجموعه‌هایی به نام کاتچین دارند. چای سبز، کاتچین بیشتری از چای سیاه دارد (۲۵ درصد در مقابل ۴ درصد). چای سفید نیز تقریباً به اندازه چای سبز کاتچین دارد. بهترین کاتچین‌های چای سبز عبارت‌اند از: گالوکاتچین (GC)، این گالوکاتچین (EGC)، اپی کاتچین (EC)، اپی گالوکاتچین گالات (EGCG).

منافع پوستی چای سبز:

در مطالعات انسانی و حیوانی مشاهده شده که ترکیبات موضعی چای سبز، باعث کاهش آسیب ناشی از آفتاب می‌گردد. چای سبز با حفاظت از پوست در برابر رادیکال‌های آزاد و کاهش التهاب پوست با جلوگیری از پاره شدن سلول‌های پوست هم‌چنین تحقیقات نشان داده چای سبز با دارا بودن پلی‌فنول در بهبود بیماری روزاسه، باعث کاهش شاخص التهاب گردیده است. از طرفی پلی‌فنول‌های موضعی چای سبز، منجر به کاهش پیشرفت نشانه‌های پیری می‌شود. ولی این‌که آیا چای سبز منجر به کاهش سستی و چمלקی پوست می‌شود، هنوز نامشخص است.

شواهدی نیز وجود دارد که چای سبز منجر به پیش‌گیری از (MMP Metalloproteinase) آنزیمی که منجر به تغییرات بافت پوست یا افزایش سن، می‌شود. در این عمل‌کرد، چای سفید بهتر از چای سبز اثر داشته است. به دلیل اثرات محافظتی در برابر نور آفتاب در چای سبز، بهتر است که از یک کریم چای سبز، زیر ضد آفتاب خود استفاده کنید. در این مورد بهتر است ضد آفتاب حاوی زینک اکساید استفاده کنید که با چای سبز تداخل اثر نداشته باشد؛ چرا که بعضی از ترکیبات شیمیایی ضد آفتاب می‌تواند با اثر چای سبز تداخل داشته باشد. نکته قابل توجه این‌که اکثر آنتی‌اکسیدان‌ها و پلی‌فنول‌های چای سبز به صورت موضعی اکساید می‌شود و فعالیت خود را در تماس با هوا از دست می‌دهد، به همین جهت اثربخشی واقعی کریم‌های چای سبز هنوز نامشخص است. ولی با نوشیدن چای سبز با افزایش آنتی‌اکسیدان‌ها در خون و فریز کردن دم‌کرده چای سبز و کاربرد آن به صورت تونر بر پوست (مواظب باشید قالب‌های یخی چای سبز را مستقیم بر پوست خود نگذارید) می‌توانید از اثرات مفید آن لذت ببرید.

خواص عمومی چای سبز بر سلامت چیست؟

مطالعات متعددی نشان دارد که پلی‌فنول‌های چای سبز، اثر فزاینده‌یی علیه رادیکال‌های آزاد، آسیب‌های قلبی، عروقی، بعضی از انواع سرطان‌ها، عفونت و سموم دارد. مطالعات بی‌شمار علمی و معتبر در دنیا مطرح کرده است که چای عمدتاً سبز و سفید، باعث افزایش ظرفیت آنتی‌اکسیدان در بافت به‌خصوص خون می‌شود و منجر به بهبود وضعیت چربی بد به‌خصوص LDL می‌شود. البته مطالعات طولانی‌مدت در زمینه فواید چای سبز محدود می‌باشد و به طور دقیق نمی‌توان مشخص کرد که چه میزان چای سبز برای بهبود سلامت مفید است. در بعضی موارد، افرادی که نمی‌خواهند کافئین موجود در چای را مصرف کنند، اشکال مولتی‌ویتامین با عصاره چای سبز را ترجیح می‌دهند. در هر حال، دوز معمول مصرف ترکیبات حاوی چای سبز ۱۵۰ - ۱۰۰ میلی‌گرم سه بار در روز می‌باشد. یکسانی منافع مصرف داروهای حاوی چای سبز نسبت به چای سبز تازه دم شده، ناشناخته است.

منبع: دنیای سلامت

یک‌دیگر است» (۶). حال پرسش این است که وجدان جمعی چه بخشی از وجدان افراد را تشکیل می‌دهد؟

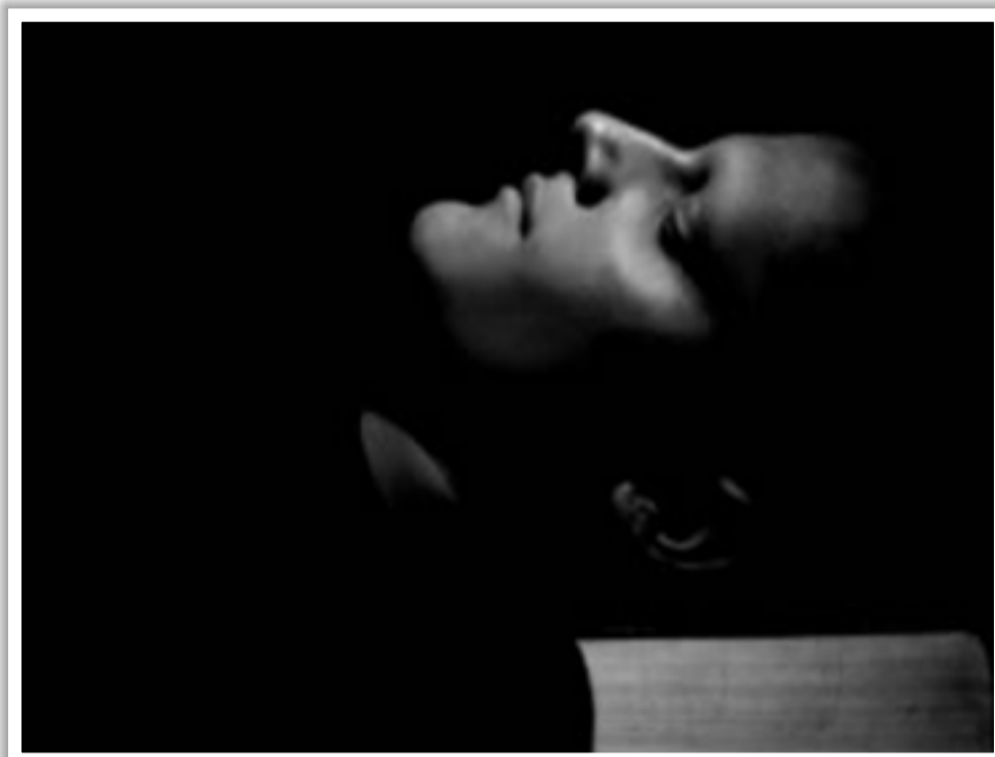
دورکیم در پاسخ، بر این باور است که بسته به نوع جامعه، میزان حضور و قدرت وجدان جمعی تفاوت می‌کند. در جوامعی که هم‌بستگی افراد بر مبنای هم‌بستگی خود به خودی بوده و افراد جامعه، همانندی‌ها و شباهت‌های اساسی با یکدیگر دارند، وجدان جمعی بزرگترین بخش وجدان‌های فردی را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، در این گونه جوامع، بخشی از هستی افراد که تابع وجدان جمعی است، در واقع معادل همه هستی افراد است. (۷) این امر به این دلیل رخ می‌دهد که در این گونه جوامع، آزادی افراد محدود بوده، اعمال و کردار اعضای جامعه بر مبنای فرامین و دستورات جامعه و گروه شکل می‌گیرد. در جامعه‌یی که همه فعالیت‌ها و رفتارهای افراد در قالب قوانین علمی یا به عبارتی، تحت تأثیر باورهای مشترک و احساسات جمعی رخ می‌دهد، وجدان جمعی حضور نیرومند و مؤثر دارد و عامل اساسی انسجام اجتماعی است. نظم اجتماعی در این جامعه پابرجاست، چرا که وجدان جمعی در آن نیرومند و قوی است.

برای تشخیص نیرومند یا ضعیف بودن وجدان جمعی در یک جامعه، می‌توان به شدت کيفرهای اعمال‌شده علیه افراد خاطی و گناه‌کار در آن جامعه توجه کرد، چرا که به نظر دورکیم «هر قدر وجدان جمعی قوی‌تر باشد، خشم (عمومی) بر ضد جرم، یعنی بر ضد تخطی از فرمان‌های اجتماعی حادتر است. بنابراین از دیدگاه دورکیم، جرم به معنای تخطی از کردارهایی است که وجدان جمعی، آن‌ها را مشخص و ممنوع ساخته است. بنابراین؛ «مجرم کسی است که در یک جامعه معین، از قواعد مدنی آن جامعه سرپیچی می‌کند». (۸)

همان‌طور که آرون می‌گوید، تعریف جرم بر این مبنای نتیجه‌ی منتهی خواهد شد که حتا میسر آن‌هم حاضر به پذیرش آن نخواهد بود، چرا که اگر جرم صرفاً تخطی از قواعد مدنی باشد، در آن صورت می‌توان هر نوع رفتاری را مجرمانه تلقی کرد. اما دورکیم با تعریف جرم به این صورت، سعی دارد تا هدف از کيفر دادن شخص خاطی را نیز بازتعریف کند. به نظر او، کيفر برای این نیست که احتمال کاهش جرم را در پی داشته باشد، بلکه نقش کيفر، ارضای وجدان جمعی است «زیرا همین وجدان جمعی با کردار یکی از اعضای جامعه جریحه‌دار شده است. وجدان جمعی غرامت می‌طلبد و مجازات گناه‌کار غرامتی است که به احساسات همه‌گان داده می‌شود». (۹)

بنابراین از دیدگاه دورکیم، این تبیین از اعمال کيفر از تبیین‌های عقل‌گرایانه‌یی که آن را عامل بازداشتن فرد از انجام تخطی می‌دانند، قانع‌کننده‌تر است. اما اگر این‌گونه باشد که دورکیم می‌گوید، در آن صورت ممکن است این شبهه پیش آید که عدالت چیزی نخواهد بود جز خراجی که به پیش‌دواری‌های یک جامعه خودکامه و نامعقول پرداخت می‌شود. (۱۰) از همین روی پارتو بر این باور است اگرچه حقیقت چیزی جز این نیست، اما صلاح نیست که دورکیم این جمله را بیان کند، زیرا در صورتی که همه‌گان از آن مطلع شوند، احترام عدالت محفوظ نخواهد ماند. اما در مورد جوامعی که هم‌بستگی بین اعضای آن‌ها ارگانیکی بوده و افراد جامعه با یک‌دیگر تفاوت دارند، وضعیت به گونه‌یی کاملاً متفاوت است. در این گونه جوامع، از آن‌جا که افراد، آزادی عمل داشته و می‌توانند به دل‌خواه خود عمل کنند، از نفوذ وجدان جمعی در وجدان‌های فردی کاسته می‌شود؛ در نتیجه واکنش‌های جمعی بر ضد جرم و تخطی از ممنوعیت‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. بنابراین معنای عدالت نیز در آن دگرگون می‌شود و منظور از آن رسیدن هر کس به چیزی است که حق دارد به آن برسد، اما حق به گونه‌های متعددی تعریف می‌شود که هیچ‌یک از آن‌ها تردیدناپذیر نیستند.

درهم آمیزی فلسفه و ادبیات



فلسفه یکی از شاخه‌های ادبیات نیست، و کیفیت و اهمیت آن بر ملاحظاتی غیر از ارزش‌های ادبی و هنری پایه‌ریزی می‌شود. اگر فیلسوفی خوب هم بنویسد، این امتیازی اضافی است و کشش بیشتری برای خواندن او به وجود می‌آورد، اما او را فیلسوف بهتری نمی‌کند. از برخی از فیلسوفان بزرگ، مانند افلاطون، آوگوستینوس قدیس، شوپنهاور و نیچه می‌توان به عنوان نویسنده‌گان بزرگ نام گرفت. البته فیلسوف‌های بزرگی هم داریم که نویسنده‌گان بدی بوده‌اند مانند کانت و ارسطو.

در این جا سعی در بررسی بعضی از جنبه‌های تداخل فلسفه و ادبیات است.

فلسفه: هدفش، روشن کردن و توضیح و تبیین است، مسایلی بسیار دشوار و بسیار فنی طرح می‌کند و در صدد حل آن‌ها برمی‌آید. و نوشتن باید تابع این هدف باشد، می‌شود عنوان کرد که فلسفه بد اصولاً فلسفه نیست، در حالی که هنر بد بازم هنر است. به گونه‌های مختلف از سر گناهان ادبیات می‌گذریم، ولی گناهان فلسفه را نمی‌بخشیم. ادبیات را افراد کثیر می‌خوانند، فلسفه را عده‌ی اندک می‌خوانند. هنرمندان جدی خودشان منتقد خودشان‌اند و معمولاً برای مخاطبان به عنوان «کارشناس» کار نمی‌کنند. وانگهی، هنر لذت و است و برای لذت بخشیدن، مقاصد و دلربایی‌های بی‌شمار دارد. ادبیات در سطوح مختلف و به شیوه‌های گوناگون توجه ما را جلب می‌کند. سرشار از شگرد و تردستی و جادو و رازپردازی و حیرت‌افزایی‌های عمومی است. ادبیات سرگرم می‌کند و بسیاری کارها می‌کند؛ فلسفه یک کار بیشتر نمی‌کند.

جملات در ادبیات سرشارند از معانی التزامی و تلمیح و ایهام؛ در حالی که در فلسفه جمله‌ها در هر زمان فقط یک چیز می‌گویند. نویسنده‌گی ادبی هنر است، جنبه‌ی یکی از رشته‌های هنری است. ممکن است بی‌تظاهر باشد یا پرچلوه و خیره‌کننده، ولی اگر به ادبیات تعلق داشته باشد، قصد شیرین‌کاری در آن هست و زبان در آن نوعاً به شیوه‌ی پرآب‌وتاب به کار می‌رود و جزئی از خود «اثر» است، خواه اثر بلند باشد و خواه کوتاه. پس هیچ سبک ادبی واحد یا هیچ‌گونه سبک ادبی آرمانی وجود ندارد، هر چند البته نویسنده‌گی خوب هست و نویسنده‌گی بد، و هستند متفکران بزرگی مانند کی برکه گور (فیلسوف دانمارکی) و نیچه که نویسنده‌گان بزرگی هم بوده‌اند. بدون شک فیلسوفان هم مختلف‌اند، و بعضی «ادبی»‌تر از دیگران‌اند.

گونه‌ی سبک فلسفی آرمانی وجود دارد که نوعی ساده‌گی و صلابت بدون ایهام در آن هست، سبک رک و راست و خشکی و بی‌پیرایه و به دور از خودپسندی. فیلسوف باید بکوشد دقیقاً آن‌چه را در نظر دارد توضیح بدهد و از سخنوری و زینت و آرایش بیهوده بپرهیزد. البته این با ظرافت طبع و

هنر بازی تنگاتنگ و خطرناکی با نیروهای ناخودآگاه است. از هنر، حتی از هنر ساده، به این علت لذت می‌بریم که عمیقاً و اغلب به طرزی درنیافتنی آرامش‌ها را برهم می‌زند. و این از جمله عللی است که هنر وقتی خوب است، برای ما هم خوب است، و وقتی بد است، به حال ما هم بد است

نکته‌گویی و گریزهای گه‌گاهی منافات ندارد؛ اما وقتی فیلسوف، به‌اصطلاح، در خط اول جبهه بحث درباره مشکل مورد نظر است، با صدایی سرد و صاف و قابل تشخیص سخن می‌گوید. نویسنده‌گی فلسفی به معنای ابراز مکنونات قلبی نیست؛ مستلزم حذف صدای شخصی است. بعضی از فلاسفه حضور شخصی خودشان را در آثارشان حفظ می‌کنند. اما در این‌گونه موارد هم خود فلسفه هم‌چنان دارای نوعی صلابت و سختی ساده و غیرمشخصی است. البته ادبیات هم مستلزم مهار کردن و دگرگون‌سازی صدای شخصی است. حتی ممکن است بین فلسفه و شعر که دشوارترین شاخه ادبیات است، قیاسی به عمل آورد. در هر دو نوعی پالایش ویژه و دشوار آن‌چه می‌خواهید بگویید و درآمدن اندیشه به زبان دخیل است. با این وصف، گونه‌ی بروز مکنونات قلبی وجود دارد که همراه همه بازیگری‌ها و رازپردازی‌های هنر، مختص ادبیات است. و نویسنده ادبی عمداً فضایی برای بازی کردن خواننده باقی می‌گذارد. فیلسوف نباید هیچ فضایی باقی گذارد.

هدف ادبیات اغلب رازپردازی و حیرت‌افزایی است. هدف فلسفه نیل به هیچ‌گونه کمال از نظر صورت (یا فرم) به خاطر خود آن نیست. ادبیات با مشکل پیچیده از نظر صورت (یا فرم) هنری دست‌وپنجه نرم می‌کند و در تلاش ایجاد گونه‌ی بی‌تمام است. فلسفه در مقایسه با ادبیات به نظر بی‌فرم می‌رسد. در فلسفه، مطلب این است که مسأله‌ی را محکم بگیریم و رها نکنیم و حاضر باشیم در حینی که صورت‌بندی‌ها و راه‌حل‌های مختلف را امتحان می‌کنیم، آن‌چه را گفته‌ایم بازم تکرار کنیم. وجه مشخص فیلسوف همین توان خسته‌گی‌ناپذیر برای ادامه بحث از یک مسأله است، اما آن‌چه معمولاً هنرمند را متمایز می‌کند، شوق او به نوجویی است. در تعریف ادبیات؛ ادبیات شاخه‌ی از هنر است که در آن در الفاظ استفاده می‌شود. ادبیات بسیار متنوع و وسیع است، و فلسفه بسیار کوچک. فلسفه تأثیر عظیم داشته، ولی عده فیلسوفانی که آن تأثیر را گذاشته‌اند، بالنسبه اندک بوده‌اند، دلیلش هم این‌که، فلسفه این‌قدر دشوار است.

ادبیات به یک معنا کار نیست. ادبیات چیزی است که همه ما خودانگیزه قدم به حیطه آن می‌گذاریم

و بنابراین ممکن است شبیه بازی و به‌خصوص انواع بی‌شمار بازی‌های فارغ از مسوولیت به نظر برسد. انواع ادبی برای ما خصلت بسیار طبیعی دارند و بسیار به ما به عنوان موجودات شامل نزدیک‌اند. ادبیات منحصر به داستان نیست، ولی در بخش اعظم آن، داستان و اختراع و نقاب و نقش بازی کردن و ظاهرسازی و خیال‌پختن و قصه‌گویی دخیل است. وقتی که به خانه برمی‌گردیم و «روزمان را تعریف می‌کنیم»، ماجراها را با شیرین‌کاری در قالب حکایت شکل می‌دهیم. بنابراین، به یک معنا می‌توان گفت که همه ما چون از لفظ استفاده می‌کنیم، هستی ما در یک جو ادبی می‌گذرد، با ادبیات زنده‌گی می‌کنیم، ادبیات استنشاق می‌کنیم، هنرمندان ادبی هستیم، دایماً برای شکل دادن جالب و دل‌انگیز به تجربه‌هایی که شاید بدوا کسالت‌آور یا بی‌سر و ته و نامنسجم به نظر می‌رسید، مشغول به کار گرفتن زبانیم. این‌که این شکل دادن تا چه حد از حقیقت تخطی می‌کند، مسأله‌ی است که هر هنرمندی باید با آن روبه‌رو شود. یکی از انگیزه‌های عمیق برای خلق ادبیات یا هر گونه هنری، تمایل به شکست دادن بی‌شکلی جهان و دل‌شاد شدن از طریق ساختن صورت‌های مختلف از چیزی است که وگرنه ممکن است آماری بی‌معنا به نظر برسد.

فلسفه بسیار بر خلاف طبیعت است؛ کاری بسیار عجیب و غیرطبیعی می‌باشد. هر معلم فلسفه یقیناً چنین احساس می‌کند. فلسفه عادات ما را در زمینه توده تصورات نیمه‌هنری یا نیمه‌ذوقی ما که معمولاً بر آن تکیه می‌کنیم، برهم می‌زند. هیوم می‌گوید حتی فیلسوف هم وقتی که از کتاب‌خانه‌اش بیرون می‌آید، برمی‌گردد به همین پیش‌فرض‌هایی که به آن‌ها عادت کرده است. فلسفه کوششی است در عالم اندیشه برای ادراک و بیرون آوردن عمیق‌ترین و کلی‌ترین تصورات ما. به آسانی نمی‌شود مردم را قانع کرد که به سطحی که فلسفه در آن عمل می‌کند، حتی نگاه کنند.

ادبیات برای این‌که ادبیات باشد، باید هیجانانگیز باشد، برانگیزد، در حالی که فیلسوف هم مانند دانشمند، کوشش مثبت به خرج می‌دهد تا توسل به هیجانانگیز را از کار خودش بزدايد. می‌توان اسم ادبیات را فنی منضبط برای برانگیختن هیجانانگیز گذاشت. در ماهیت حسی هنر هم، برانگیختن هیجانانگیز وجود دارد. هنر با حسیات بصری و سمعی و بدنی سروکار دارد. اگر هیچ امر حسی موجود نباشد، هنر هم وجود ندارد. خود این واقعیت به تنهایی هنر را از فعالیت‌های «نظری» متمایز می‌کند. بخش بزرگی از هنر - و شاید بخش اعظم هنر و شاید همه هنر - به معنایی فوق‌العاده کلی با میل جنسی ارتباط دارد.

هنر بازی تنگاتنگ و خطرناکی با نیروهای ناخودآگاه است. از هنر، حتی از هنر ساده، به این علت لذت می‌بریم که عمیقاً و اغلب به طرزی درنیافتنی آرامش‌ها را برهم می‌زند. و این از جمله عللی است که هنر وقتی خوب است، برای ما هم خوب است، و وقتی بد است، به حال ما هم بد است.

مأخذ: کتاب مردان اندیشه مقاله‌ی از خانم آیریس مرداک

جملات آغازین و به‌یادماندنی ۱۵ شاهکار ادبی دنیا

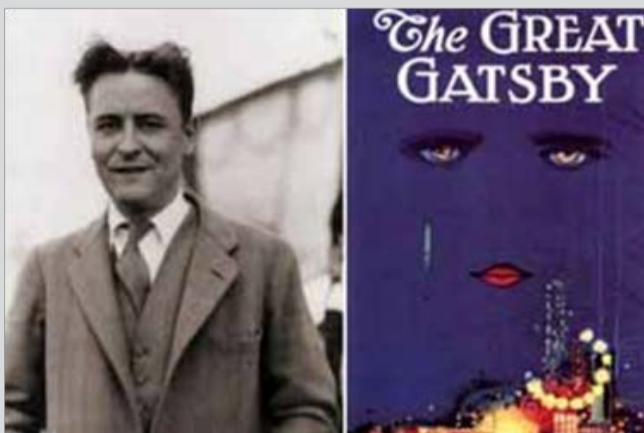
۱. «دوشیزه بروکس زیبایی داشت که انگار لباس‌های کهنه به آن جلوه بیشتری می‌داد.» (میدل مارچ نوشته جرج الیوت / ۱۸۷۱)
۲. «همه بچه‌ها به جز یکی، بزرگ می‌شوند.» (پیتز پن نوشته جی. ام. بری / ۱۹۱۱)
۳. «گریزناپذیر بود: عطر بادام تلخ همیشه او را به یاد سرانجام عشقی نافرجام می‌انداخت.» («عشق سال‌های وبا» نوشته گابریل گارسیا مارکز / ۱۹۸۵)
۴. «سرما با بی‌میلی از زمین برمی‌خاست، و مه با کم‌رنگ شدنش سپاهی را نشان می‌داد که روی تپه کشیده شده بود و استراحت می‌کرد.» (نشان سرخ دلیری نوشته استفن کرین / ۱۸۹۵)
۵. «مادر امروز مرد. یا شاید دیروز، نمی‌دانم.» («بیگانه» نوشته آلبر کامو / ۱۹۴۶)
۶. «پیرمردی بود که تنها در خلیج ماهی‌گیری می‌کرد و هشتاد و چهار روز بود که ماهی نگرفته بود.» («پیرمرد و دریا» نوشته ارنست همینگوی / ۱۹۵۲)

منبع: www.seemorgh.com

اولین چیزی که می‌خواهید بدانید این است که کجا به دنیا آمده‌ام و بچه‌گی مزخرفم چه‌طور بوده و پدر و مادر چه کاره بودند و قبل از دنیا آمدن من، چه می‌کردند و همه این چیزهای مسخره دیوید کاپرفیلدی، اما راستش را بخواهید من حالش را ندارم این حرف‌ها را بزنم.» («ناتوردرشت» نوشته جی. دی. سلینجر / ۱۹۵۱)

۷. «در سال‌های جوان‌تر و ضعیف‌تر بودم، پدرم به من نصیحتی کرد که از همان موقع در ذهنم می‌چرخد. این‌طور گفت که هر وقت می‌خواهی از کسی ایراد بگیری، فقط یادت باشد که همه مردم دنیا شانس و بختی که تو داشتی را نداشتند.» («گتسی بزرگ» نوشته اف. اسکات فیتزجرالد / ۱۹۲۵)

۸. «یک روز که گرگور سامسا از خوابی تلخ بیدار شد، متوجه شد که در رخت‌خوابش به یک سوسک [مادر



نام «ماجراهای تام سایر» را خوانده باشید؛ اما اصلاً مهم نیست. آن کتاب را آقای مارک تواین نوشته بود و تقریباً همه‌اش حقیقت بود.» («ماجراهای هاکلبری فین» نوشته مارک تواین / ۱۸۸۴)

۶. «اگر واقعاً می‌خواهید از این ماجرا مطلع شوید، حتماً

جملات آغازین هر رمانی، اهمیت و جذابیت بسیار می‌توانند داشته باشند. از این رو برخی از به‌یادماندنی‌ترین جمله‌های ابتدایی ادبیات جهان را در این جا بخوانید:

۱. «همه خانواده‌های خوشبخت مثل هم هستند؛ اما هر خانواده بدبخت به راه و روش خودش بدبخت است.» («آن‌اکارنیا» نوشته لئو تالستوی / ۱۸۷۸)
۲. «این حقیقت را همه دنیا قبول دارند که مرد مجردی با ثروت مناسب باید به دنبال همسر بگردد.» («غرور و تعصب» نوشته جین آستین / ۱۸۱۳)
۳. «بهترین دوران بود، بدترین دوران بود، دوران درایت بود، دوران حماقت بود، اوج ایمان بود، اوج شک بود، فصل روشنائی بود، فصل تاریکی بود، بهار امید بود، زمستان یأس بود، همه چیز در یک قدمی ما بود، همه چیز را پشت سر گذاشته بودیم، همه مستقیم به بهشت می‌رفتیم، همه مستقیم در جهت مخالف می‌رفتیم.» («داستان دو شهر» نوشته چارلز دیکنز / ۱۸۵۹)
۴. «روز سرد روشنی از ماه آپریل بود، ساعت سیزده بار ضربه زد.» («۱۹۸۴» نوشته جرج اورول / ۱۹۴۹)
۵. «هیچی در مورد من نمی‌دانید مگر این‌که کتابی با

چوپان بزرگ کنار رفت اما...

منوچهر

افشای تقلب گسترده ضیالاحق امرخیل، رییس دبیرخانه کمیسیون انتخابات سبب شد که این فرد از مقامش کنار برود. پخش کلیپ های صوتی آقای امرخیل از سوی ستاد اصلاحات و همگرایی نشان دادند که او با استفاده از صلاحیت و وظیفه بی‌اش به سود اشرف غنی احمدزی تقلب گسترده‌یی را سامان داده است. این افشاگری اعتراضات جاری را، گسترده‌تر ساخت، چندان که همه مردم - به ویژه در شبکه‌های اجتماعی - آقای امرخیل را چوپان بزرگ لقب دادند. زیرا امرخیل با استفاده از رمز گوسفند - کنایه از صندوق‌های تقلبی رای - دست به چنین تقلبی گسترده زده بود.

باید گفت که در این مقطع اعتراضات گسترده مردمی و پافشاری ستاد اصلاحات و همگرایی، نقش تاریخی خود را ایفا کرد و بی‌تردید که کنار رفتن آقای امرخیل، بن بست سیاسی موجود را در هم خواهد شکست اما باید علاوه کرد که اگر پافشاری ادامه نیابد و کارنامه امرخیل در طول زمان مدیریت او کاوش نشود، به هیچ وجه حق به کرسی نخواهد نشست. زیرا، امرخیل کار خود را انجام داده است و به یقین که استعفا او بدون بررسی کارنامه‌اش نتیجه‌دهنده نخواهد بود.

چند نکته در این مساله بسیار مهم می‌نماید و می‌طلبد که مردم و نیز ستاد انتخاباتی مدعی آن را پی‌گیری کند.

نکته نخست همانا تشکیل کمیسیون حقیقت‌یاب برای بررسی کار آقای امرخیل است. این کمیسیون نیز باید مورد قبول مردم و ستاد معترض باشد تا

بتواند حقیقت را بدون جانب‌داری بازبایی کند. طبق گزارش‌های پخش شده به نظر می‌رسد که آقای امرخیل کاملاً یکی از بدنه‌های کمیسیون انتخابات را از افراد خودش پر کرده است. تنها از عهده یک کمیسیون حقیقت‌یاب بی‌طرف است که تمامی افراد مربوط به امرخیل را شناسایی کرده و بقیه اسناد مربوط به ماجرای این تقلب بزرگ را به مردم بنمایاند. بی‌تردید اگر چنین شود بیش از نیمی از افراد کمیسیون رسوا خواهند شد که این یک دستاورد بزرگ به سود دموکراسی و صیانت از آرای مردم است.

نکته دیگر در این زمینه ممنوع‌الخروج شدن آقای امرخیل است. در حال حاضر او یک متهم می‌باشد که یک پروسه بزرگ مردمی را با تقلب به بن بست کشانده است. کار چنین فردی نباید دست کم گرفته شود، زیرا دست‌کاری در یک پروسه مردمی به سود یک نامزد مشخص، یک خیانت ملی پنداشته می‌شود و قانون نیز درباره خیانت صراحت دارد. بنابراین، آقای امرخیل هر چه زودتر به دادگاه معرفی شده و پس از بررسی‌های دادخواهانه به کیفر برسد.

مساله سومی، کشف رابطه میان ستاد اشرف غنی و این تقلب گسترده است. تصور می‌شود که تقلبی به این گسترده‌گی نمی‌تواند بدون تباری با آقای اشرف غنی صورت گرفته باشد. اگر کمیسیون حقیقت‌یاب بتواند به این نتیجه برسد که آقای اشرف غنی واقعاً در این تقلب گسترده دست داشته و یا از آن آگاه بوده، بی‌هیچ تردیدی او باید از این پروسه کنار گذاشته شود. زیرا، کسی که رسماً در یک پروسه ملی و دموکراتیک

از یک رأی مردم هم...

تقلب‌های گسترده گفت: ملت تقلب نکرده؛ مردم خوست تقلب نکرده‌اند، بل نهادهای دولتی و کمیسیون‌های انتخاباتی تقلب کردند و با آرای مردم بازی کردند؛ بنابراین برای افشای این تقلب‌ها و تخلف‌ها نیاز به اسناد و شواهد نیست. او افزود، قبل از برگزاری انتخابات من خدمت جناب حامد کرزی رفته و پیشنهادهایی را جهت جلوگیری از تقلب و تخلف ارائه کردم و اگر این پیشنهادها عملی می‌شد، امروز ما شاهد این همه جنجال نمی‌بودیم.

داکتر عبدالله تاکید کرد، هم رسانه‌ها، هم نماینده‌گان ملت و هم مردم افغانستان اطلاع دارند که صندوق‌ها در کجا و به نفع چه کسی پر شد و از طرف دیگر بسیاری از اعضای تیم ما مورد تهدید، توهین و تحقیر قرار گرفتند؛ شماری هم زخمی و یا شهید شدند؛ اما در اراده ما هیچ نوع تغییری به میان نیامد. داکتر عبدالله گفت: ده‌ها ناظر ما مورد لت و کوب قرار گرفت و ده‌ها تن دیگر شهید شدند و در حادثه‌یی که بالای ما صورت گرفت نیز چند تن از همکاران ما شهید شدند؛ بنابراین ما اجازه نمی‌دهیم که تقلب‌کاران با مهندسی انتخابات

رهبری موجود باید...

نقطه سیاه تاریخ کشور، به‌جا خواهد گذاشت.

بدین منظور، بیش از هر اقدام دیگر، افغانستان به انتقال سریع قدرت سیاسی از دولت فاسد تحت رهبری تیم غیر ملی، معامله‌گر و بحران‌آفرین موجود، به یک دولت با اعتبار و رهبری ملی نیاز دارد.

به قول یک صاحب نظر: «بحران موجود، از طرف یک فرد «مسوول دولتی»، در جایگاه رفیع ریاست‌جمهوری، در تباری با تیم محوری داخل ارگ، با سوء نیتی تکان‌دهنده به امانت مردم و به نیاز تاریخی و ملی کشور، به گونه فوق تصور، پاسخ خاینانه داده است. رفتن در خط جهالت سیاسی، از سوی ارگ نیشنال، هستی افغانستان

تقلب‌کاری می‌کند و شایسته‌گی زعامت کشور را ندارد.

نکته چهارم حمایت درون‌حکومتی است که باید روشن گردد. به این معنا که آقای امرخیل خود به تنهایی نمی‌توانسته کاری کند که چه کسی و یا چه تیمی برنده انتخابات گردد. بی‌تردید که کسی یا کسانی از درون حکومت از کار او در کمیسیون انتخابات حمایت می‌کرده‌اند. پی‌گیری کارنامه آقای امرخیل ما را به این سرخ خواهد رساند که چه مقامی و یا مقاماتی به آقای امرخیل دستور تقلب می‌دادند. به یقین که کشف این نکته بسا از مقامات بلندپایه آقای کرزی را و شاید هم شخص او را ملامت سازد.

نکته پنجم اما این است که با استعفا ناخواسته آقای امرخیل ادعای تیم اصلاحات و همگرایی حق ثابت شده است. به این معنا که اصلاحات و همگرایی موضع حق به جانب داشته و از هر آنچه بر سر رای و حق مردم آمده دفاع کرده است. بنابراین، سایر خواسته‌های این تیم باید جدی گرفته شود. خواسته‌های این تیم ناحق نیست. صیانت از آرای مردم است. شفاف‌سازی رای مردم است و کشف تقلب‌کاران و خیانان است که باید حکومت به آن بپردازد. در ضمن جامعه جهانی نیز باید خواسته‌های این تیم را جدی بگیرد و این جدیت می‌تواند کشور را از بن بست سیاسی برهاند و هم‌چنان دستاوردهای سیزده‌ساله جامعه جهانی در این کشور حفظ گردد. بنابراین، تنها رفتن چوپان گره کار را نمی‌گشاید، گره‌های کارنامه چوپان نیز باید باز گردد تا ما بتوانیم ثبات را به این کشور بازگردانیم.

تلاش‌های بسیار صورت گرفت تا افغانستان به شمال و جنوب و این قوم و آن قوم تقسیم گردد؛ اما مردم افغانستان در این انتخابات ثابت کردند که یک ملت واحد هستند؛ بنابراین مردم حق دارند که حساب رای خود را هم از کمیسیون‌های انتخاباتی و هم از حکومت طلب کنند.

وی همچنان افزود، ده سال پیش ما از ده‌ها وسوسه گذشتیم و از حامد کرزی دعوت کردیم که برای اینکه افغانستان را به شمال و جنوب تقسیم نکنند، رییس‌جمهور افغانستان باشند و این تاریخ ما است.

در همین در این نشست شماری از نماینده‌گان مجلس با انتقاد از عملکرد کمیسیون‌های انتخاباتی، از حکومت خواستند که از مداخله در امور انتخابات دست بکشد.

آنان تاکید کردند، مداخله حکومت و تقلب‌های سازمان یافته توسط کمیسیون‌های انتخاباتی، انتخابات افغانستان را به بحران کشانده است.

این نماینده‌گان همچنان گفتند، برای مهار بحران پیش آمده، کمیسیون‌های انتخاباتی به تخلفات و تقلبات سازمان یافته رسیده‌گی کرده و رای سیاه را از رای سفید باید جدا ساخته و عاملان تقلب را به دادگاه معرفی کنند.

یکپارچه را به تباهی مواجه خواهد ساخت. پس قبل از این که دیر شود، رهبری موجود، به عنوان بخش بزرگ بحران و سد راه موفقیت کشور، باید هرچه عاجل، بر بنیاد قانون، از قدرت کنار رود، تا این که دیپلوماسی تفاهم، برای موفقیت انتخابات و پروسه گذار مسالمت‌آمیز، موفق گردیده و کشور از فاز بحران بیرون گردد.

نیروهای امنیتی منتظر دستور...

درفرصت مناسب به این گونه اقدامات، پاسخ نظامی خواهد داد.

وی تصریح کرد: نظامیان پاکستانی دو شب پیش با پوشیدن لباس غیرنظامی به پاسگاه‌های ارتش در شهرستان دنگام حمله کردند که بر اثر آن سه سرباز افغانستان و هشت غیرنظامی جان خود را از دست دادند.

مستغنی افزود: در صورتی که شورای امنیت ملی افغانستان دستور دهد که نیروهای افغان پاسخ متقابل بدهند، این نیروها دست به کار خواهند شد.

سخنگوی وزارت خارجه افغانستان با اشاره به ورود صدها خانواده پاکستانی به شرق کشور و احتمال نفوذ تروریست‌ها گفت: در صورتی که تروریست‌ها در پوشش آوارگان وارد افغانستان شده باشند، نیروهای امنیتی افغان آنها را بازداشت خواهند کرد.

نورستانی هنگام استعفا امرخیل:

از مشورت‌های امرخیل استفاده می‌کنیم!



ضیالاحق امرخیل رییس دبیرخانه کمیسیون مستقل انتخابات روز گذشته پس از افشای اسناد معتبر مبنی بر دست داشتن اش در تقلب گسترده در انتخابات ریاست‌جمهوری رسماً استعفا داد. آقای امرخیل از سوی تیم اصلاحات و همگرایی به تقلب گسترده، سازمان‌دهی شده و میلیونی به سود اشرف غنی احمدزی متهم شده است.

تیم اصلاحات و همگرایی روز یکشنبه اسنادی را به رسانه‌ها سپرد که نشان می‌داد امرخیل رسماً به سود اشرف غنی احمدزی در انتخابات کار می‌کند.

همچنان، در روز برگزاری انتخابات فرماندهی پولیس کابل اعلام کرد که دو موتر حاوی مواد مهم انتخاباتی را در حالی توقیف داده است که قرار بوده به منظور تقلب به یکی از ولسوالی‌های کابل منتقل شود.

سپس معلوم شد که این موترها از سوی ضیالاحق امرخیل رییس دبیرخانه کمیسیون به منظور تقلب به سود اشرف غنی احمدزی به تره‌خیل منتقل می‌شده است. افشای این مساله واکنش‌های تند مردم را برانگیخت.

اما ضیالاحق امرخیل روز دوشنبه در یک کنفرانس خبری این اتهام را رد کرد. آقای امرخیل گفت نوار صوتی‌یی که از سوی تیم داکتر عبدالله نشر شده، جعلی است.

آقای امرخیل گفت که در نتیجه فشارها استعفا نداده است؛ بلکه به منظور جلوگیری از بحران در افغانستان از وظیفه‌اش کنار می‌رود.

امرخیل افزود که برای نجات افغانستان از رفتن به بحران و منافع ملی این کشور، از سمتش استعفا می‌دهد.

یوسف نورستانی رییس کمیسیون مستقل انتخابات از زحمات و تلاش‌های آقای امرخیل سپاسگذاری کرد. نورستانی گفت از مشورت‌های آقای امرخیل در خارج یا بیرون از کمیسیون انتخابات، استفاده خواهد شد.

تفتیش آرای پنج ولایت کمیسیون انتخابات اعلام کرد که آرای پنج ولایت افغانستان تفتیش می‌شوند که تیم‌های انتخاباتی داکتر عبدالله و اشرف غنی احمدزی نگرانی دارند و ادعا کرده‌اند که در این ولایات تقلب صورت گرفته است.

پنج ولایت غور، نورستان، پکتیا، پکتیکا و خوست ولایت‌هایی اند که ۱۰ درصد آرای این ولایات تفتیش خواهد شد. رییس کمیسیون مستقل انتخابات گفت این ۱۰ درصد، ۱۰۰ درصد آرای این پنج ولایت را نشان خواهد داد و در مورد آن تصمیم گرفته خواهد شد.

کمیسیون انتخابات گفت که ۱۰ درصد آرای این پنج ولایت در حضور ناظران داخلی و خارجی، ناظران دو نامزد ریاست جمهوری و همچنین نماینده دفتر ملل متحد در کابل تفتیش خواهد شد.

این کمیسیون همچنین اعلام کرد که ۹۱،۵ درصد آرا از تمام ولایات وارد سیستم شمارش در کمیسیون مرکزی انتخابات شده است. رییس این کمیسیون گفت که تنها نتایج آرای ولایت پکتیکا هنوز به کابل نرسیده که با رسیدن نتایج این ولایت، صد درصد نتایج وارد سیستم خواهد شد.

رییس کمیسیون مستقل انتخابات افزود که ۲۴۸ محل رای دهی تفتیش و آرای ۵۷ محل دیگر شمارش مجدد می‌شوند.



گفت و گوهای افشاده...

امرخیل: چه می گفت؟
 عضو کمپاین اشرف غنی: آن تشویش ها را چیز(؟) کردیم. و دیگر گپ مراکز بود که آن جای جدید چیز(؟) شده و می گوید آن جا را چیز(؟) می کنیم و بعد روی آن گپ می زنیم.
 امرخیل: نی، نی! من دیروز هم با او صحبت کرده ام، خو چه می گوید، قوماندان آن طرف یا این طرف؟
 عضو کمپاین اشرف غنی: او می گوید که چیز است، یعنی در انتخاب به تشویش است.
 امرخیل: خو من دیروز برایش گفتم که قوماندان را بخواهد یا نه. این پوپل (جیلانی پوپل) چه می کند تمام روز با اشرف غنی نشست است، برادر! اشرف غنی را چه می کنی؟
 عضو کمپاین اشرف غنی: بلی همین لحظه!
 امرخیل با لهجه تند: این خو نیست که مجلس من با آن ها بوده باشد. مجلس من مهم بود یا مجلس او؟ این بسیار گپ بد است شما بدوید، شما در زیر زنج اشرف غنی نشسته اید.
 عضو کمپاین اشرف غنی: بلی برادر...
 امرخیل: بس تمام روز تنها توصیف های خودش است. توصیف های خود را می کند. ولا که در سال بینش.
 عضو کمپاین اشرف غنی: بالکل، بالکل!
 امرخیل: یک چیز دیگر برادر، بعضی کسانی را که شما برایم معرفی کرده اید. برای من مردمان خوب معرفی کرده بی، به این معنا که شما استفاده کنید. یک دو سه نفر تکره (قوی) در بدخشان به کار است. یک از یک را که تو معرفی کردی، آدم تکره (قوی) بود. یکی در چیز(؟) معرفی کردی، آدم تکره. یکی دو نفر را نیاز دارم که در چیز(؟) معرفی کنی.
 عضو کمپاین اشرف غنی: بلی بلی، این خوب است. اسماعیلیه را همین لحظه دیدم.
 امرخیل: با آن ها در هر عصر به تماس باش. تعقیب کن. برای شان که زنگ بزنی می گویند برای چه ما را خواسته ای. در گپ با آن ها آدم چیزی نمی فهمد.
 عضو کمپاین اشرف غنی: بلی بلی!
 امرخیل: بفهمان شان. کسی را که معرفی می کنی، برایش بگو که تو این را بکن و تو این کار را، مردمان با اعتماد.
 عضو کمپاین اشرف غنی: همه فهمیده اند اما ما بسیار از چیزها را در تلفون گفته نمی توانیم.
 امرخیل: برایش زنگ می زنی و یا این جا می طلبیش. به خاطری که از بدخشان تا این جا یک روز راه است، اگر صبح حرکت کند، شام می رسد و فردا دوباره بفرستش.
 عضو کمپاین اشرف غنی: حال کسی را می خواهی؟ چه طور، امر کن.
 امرخیل: آن ها نباید لت (تنبل) باشند.
 عضو کمپاین اشرف غنی: درست است. همین لحظه که پوپل (جیلانی پوپل) را دیدم، برنامه را تنظیم می کنم و زود احوال می دهم.
 امرخیل: برادر! این چیزها بسیار مهم است. بالای آن ها حلا هیچ اعتماد ندارم. این همه در جلسات هستند. جلسه را چه می کنی؟ سه نفر کار خود را انجام دهد، خدا کند کسی می گذارد و یا می راند!
 عضو کمپاین اشرف غنی: بلی، بلی، بلی!
 امرخیل: وظیفه هر کس معلوم است.
 عضو کمپاین اشرف غنی: بلی کاملاً درست است.
 امرخیل: این طور کوچیانی کوچیانی صحبت کنید. همه تشریفاتی است، دستمال را به گوش و بینی خود می گیرند.
 عضو کمپاین اشرف غنی: کاملاً درست است، کاملاً فهمیدم.

 ۲

مسوول دفتر کمیسیون در لغمان: صدا جر است و

درست شنیده نمی شود.
 امرخیل: بلی، برادر همین لحظه تو برایش زنگ بز. برایش بگو که دیدن هر دوی ما بسیار مهم است. از او گوسفند و بز را بگیر و تمام کار را منظم کن.
 مسوول دفتر کمیسیون در لغمان: درست شد. و دیگر نفری که در معارف بود، سیرت (رییس دفتر ضیاءالحق امرخیل) برایم گفت که با او هم بینیم. با او هم در همین مورد بینیم؟
 امرخیل: بلی، بین. به همین خاطر او هم آن جا می آید و تو را می بیند.
 مسوول دفتر کمیسیون در لغمان: درست شد درست شد.
 امرخیل: خوب دقیق برنامه ریزی کرده ای، برادر؟
 مسوول دفتر کمیسیون در لغمان: درست شد ان شاء الله.
 امرخیل: بسیار با جرأت کار کنید. قسمی با جرأت که گوسفندها را چاق کنید و دوباره بیاورید.
 مسوول دفتر کمیسیون در لغمان: بلی، یک گپ بسیار خوب برای تان دارم. گوش هستید؟
 امرخیل: بلی، بگوید!
 مسوول دفتر کمیسیون در لغمان: (صدا درست شنیده نمی شود) می شنوید؟
 مسوول دفتر کمیسیون در لغمان: ... شب همراهش نشستیم، با قوماندان. بعد من برایش گفتم مشکلات زیاد است. او گفت که تو بی غم باش.
 امرخیل: درست شد. آن تهدید را کاملاً بند ساخت.
 مسوول دفتر کمیسیون در لغمان: او گفت، رُخ اول او تهدید است و در دوم کاملاً کنسل می کند. قوماندان بسیار آدم خوب است...
 امرخیل: قوماندان کیست؟ در کمپاین کیست؟ قوماندان شما کیست؟
 مسوول دفتر کمیسیون در لغمان: قوماندان، معاون سابق قوماندانی کابل است. از پکتیکا است و بسیار آدم خوب است.
 امرخیل: شماره آن قوماندان را برایم اس ام اس کن. به سیرت بفرست.
 مسوول دفتر کمیسیون در لغمان: درست شد. بسیار آدم خوب است. شب تا یازده بجه نشسته بودم. حال رفته باشد.
 امرخیل: درست شد، درست شد!

 ۳

صدا جر است و

۴

صحبت های تلفونی امرخیل با مسوول کمیسیون انتخابات در فاریاب:
 امرخیل: کارهایت چه طور است برادر؟
 مسوول کمیسیون انتخابات در فاریاب: کارها خوب است، خو مشکلات هم وجود دارد.
 امرخیل: چه مشکلی؟
 مسوول کمیسیون انتخابات در فاریاب: [صدا شفاف نیست و شنیده نمی شود].
 امرخیل: چرا این ها را اصلاح نمی کنی. چوب را بگیر و همه را بدوان.
 مسوول کمیسیون انتخابات در فاریاب: پس چنین راهی را می بینیم.
 امرخیل: این همه تغییر کرده برادر، از یک ها را بگیر. پشتون ها را بگیر و دیگران را بیرون کن، این خو شرم است. این مردم همه تقلب می کنند. از یک ها را بخواه و همه منیجرانت را از میان آن ها استخدام کن.
 می شنوی؟

 ۵

صحبت های رییس دفتر و سکرتر ضیاءالحق امرخیل (سیرت) با احسان الله کاموال مسوول کمپاین اشرف غنی احمدزی در ولایات مشرقی:
 سیرت: بزرگوار خوب هستی؟
 کاموال: بلی؟
 سیرت: سلام سیرت هستم، مثل این که شماره من همراه شما نیست؟
 کاموال: شماره دیگری ثبت است.
 سیرت: ما خو از آن شماره ها زنگ نمی زنیم. به خاطری که در این روزها قیمت گوسفندها بلند رفته است.
 کاموال: ها ها ها!... یک مسج بفرست، بعد من زنگ می زنم، این طور خوب می شود.
 سیرت: دیروز مسج هم فرستاده بودم؟
 کاموال: آن کار بازم شد یا نه؟
 سیرت: نخیر بزرگوار، من همراهت صحبت کردم یا نه؟
 کاموال: خوب در آن قسمت نفهمیدم.
 سیرت: ... نیست؟
 کاموال: در لغمان هم است، در دره نور هم است و در نورستان هم است.
 سیرت: در لغمان آن را می خواهی یا نه. این بز و گوسفند را برایم معرفی کن.
 کاموال: خوب. بین آن آدمی که آمده بود و همراهش دیدم، بسیار آدم قوی است.
 سیرت: سر این آدم خلاص است، سرخلاص است.
 کاموال: این آدم دیگر که در قریه ما کار می کند، بسیار آدم شریف است اما قوی نیست.
 سیرت: نخیر، من همراهش صحبت کردم.
 کاموال: در شرافتش شک نیست.
 سیرت: نفهمیدم.
 کاموال: خوب، آن دو نفر که است برادر، آن ها را چیز(؟) کن!...
 سیرت: کدام؟
 کاموال: آن آدمی که تازه به نورستان آمده است برایش چیز(؟) بکن.
 سیرت: او گفت کسی در نورستان سلکت شده است. آن با شما کار خواهد کرد، راه حل دیگری ندارد. به خاطر آن که خواهرزاده این آدم دیگر است و ما کس دیگری را آورده نمی توانیم. او با حساب کلیوالی خود با او جور می آید. اگر بدر کار کند، کار جور می شود.
 کاموال: اگر این طور شود که بدر نزد من بیاید.
 سیرت: بدر خو طرف تو آمده است.
 کاموال: خوب، من برای بدر زنگ بزیم.
 سیرت: برای آن آدم دیگر بگو که با کس دیگر کار کند. هر دو هم قریه هستند نی، با خواهرزاده این آدم دیگر کار نداریم به خاطری که خودش می داند.
 کاموال: لغمان چه طور می شود، لغمان؟
 سیرت: [صدا فهمیده نمی شود].
 کاموال: درست شد. برایش بگو که برایم زنگ بزند.
 سیرت: بلی، برایت زنگ می زنم. در لغمان خو نفرهای شما است.
 کاموال: درست شد، برایم مسج کن، هر جایی که گفتمی، من همراهش می بینم.
 سیرت: تشکر
 کاموال: تشکر!

ارتش پاکستان به ساکنان وزیرستان شمالی:

منطقه را ترک کنید



ارتش پاکستان روز دوشنبه به ساکنان منطقه وزیرستان شمالی تا پایان امروز (دیروز) فرصت داد این منطقه کوهستانی دورافتاده را ترک کنند زیرا ارتش قصد دارد حمله زمینی گسترده بی را علیه ستیزه جویان آغاز کند. دست کم ۴۳۰ هزار نفر از وزیرستان شمالی به مناطق نزدیک در پاکستان و همچنین افغانستان فرار کرده اند که بزرگ ترین جا به جایی آوارگان در پاکستان طی سال های اخیر به شمار می رود.
 به گزارش خبرگزاری رویترز از پیشاور، ارتش پاکستان پس از حمله بی شرمانه این ماه جنگجویان طالبان به فرودگاه کراچی که بزرگ ترین فرودگاه این کشور به شمار می رود، جت های جنگنده خود را برای سرکوب ستیزه جویان طالبان به وزیرستان شمالی اعزام کرد. اما حمله زمینی ارتش به این منطقه هنوز آغاز نشده است.
 یک مقام ارتش پاکستان در مصاحبه تلفنی با رویترز از میرانشاه مرکز وزیرستان شمالی گفت: «امروز آخرین روز فرصت مردم برای خارج شدن از این منطقه قبایلی است. پس از آن مقررات منع آمد و شد به اجرا درخواهد آمد تا زمینه برای حمله زمینی به وزیرستان شمالی فراهم شود.» بسیاری از ساکنان وزیرستان شمالی که هنوز این منطقه را ترک نکرده اند گفتند پول کافی برای کرایه کردن خودرو و رفتن به منطقه ای امن از جمله شهر بانو ندارند. بانو شهری در نزدیکی منطقه وزیرستان شمالی است که اکثر آوارگان به آنجا پناه برده اند.
 ذاکرالله خان از ساکنان وزیرستان شمالی پس از ورود به بانو گفت: «آنها بی که قادر به پرداخت پول و کرایه خودرو برای خارج شدن از منطقه وزیرستان شمالی بوده اند، این منطقه را ترک کرده اند اما برخی افراد همچنان در منطقه هستند و در این جنگ خواهند مرد زیرا قادر نیستند از وزیرستان شمالی خارج شوند.»
 وی افزود پولی که رانندگان برای خارج کردن مردم از وزیرستان شمالی طلب می کنند به قدری زیاد است که امکانات مالی خیلی ها اقتضای آن را نمی کند.
 برخی ساکنان وزیرستان شمالی نیز گفتند دولت برای کمک به آنها هیچ کاری انجام نمی دهد.
 امریکا، متحدان غربی واشنگتن و دولت افغانستان سالهاست از پاکستان درخواست کرده اند این جنگجویان را که از وزیرستان شمالی به عنوان پایگاهی برای انجام دادن حملات خود استفاده می کنند، تعقیب و سرکوب کنند.
 جنگجویان پاکستانی پس از شدت گرفتن عملیات نظامی دولت پاکستان علیه آنها، به وزیرستان شمالی رفتند. تعدادی از بمب گذاران انتحاری که مقامات پاکستانی پیش از عملیات آنها را دستگیر کرده بودند گفتند در وزیرستان شمالی آموزش دیده اند.
 نواز شریف نخست وزیر پاکستان پس از ناکامی در پیشبرد گفتگوی صلح با طالبان متعهد شد از همه توان نظامی پاکستان برای از بین بردن طالبان و مزدوران آنها استفاده کند.

Mandegar

صدها نفر در کاپیسا و پنجشیر بر ضد تقلب تظاهرات کردند

پاک از ناپاک است. حمایت از رای واقعی دفاع از حق مشروع مردم بوده، در صورت عدم رسیدگی به آن کشور دچار چالش و بحران می‌گردد. همچنین در ولایت پنجشیر نیز تعدادی از جوانان با شعارهایی بر ضد متقلبان، خواستار محاکمه متقلبان شدند.



چالش‌های انتخاباتی زمانی اوج گرفت که رییس دبیرخانه کمیسیون مستقل انتخابات از سوی داکتر عبدالله عبدالله متهم به تقلب گردید. پس از آن داکتر عبدالله عبدالله رابطه‌اش را با کمیسیون مستقل انتخابات قطع کرد و شمارش آرا را تحریم نمود.

صدهاتن در ولایت‌های کاپیسا و پنجشیر روز گذشته بر ضد تقلب‌های سازمان‌یافته کمیسیون انتخابات دست به راهپیمایی زدند.

این افراد که در ولسوالی حصه اول کوهستان ولایت کاپیسا تجمع کرده بودند، شاهراه پنجشیر - جبل السراج را به مدت چند ساعت بر روی ترافیک مسدود کردند.

حاجی بابا جان یکتا از مظاهره کننده‌گان به خبرگزاری جمهور گفت: «بیش از چهارصد تن از باشندگان ولایت کاپیسا در این مظاهره اشتراک کرده اند و خواهان تفکیک رای پاک از ناپاک اند. ما می‌خواهیم که رای ما به تقلب گرفته نشود؛ اگر به خواسته‌های ما پاسخ داده نشود به تظاهرات خود ادامه خواهیم داد.»

این مظاهره کننده‌گان با سردادن شعارهای مرگ به تقلبکاران، یک قطعنامه سه ماده‌یی را به خوانش گرفتند.

در این قطعنامه آمده است: ما خواهان به محاکمه کشاندن هرچه زودتر متقلبان و متخلفان حرفوی مانند ضیاءالحق امرخیل هستیم.

رسیده‌گی به خواسته‌های مشروع و برحق ملت افغانستان که همانا جدا سازی آرای

حینو وگرو قوانین یرغمل نیولی دی



بدناموی.

ده وویل، کمونیزم په افغانستان کې افغانی کمونستانو او اسلام په افغانستان کې طالبانو بدنامه کړ او اوس له بهره راغلي دېموکراسۍ غوښتونکي غواړي چې په افغانستان کې دېموکراسي بدنامه کړي: ((په درغل شویو رایو څوک ولسمشرۍ ته مه رسوئ.))

سناوثر نار حارث بیا ویل، دوی په هرات کې د هغو کسانو د رایو غوښتونکي دي چې گوتې یې د رایه ورکولو په جرم پرې شوي او یوه نجلۍ په سر ویشتل شوې ده.

د ده په وینا، اجازه نه ورکوي چې پسونه په غرونو کې ښه چاغ او بیا ښارونو ته راشي؛ بلکې د پاکو او ناپاکو پسونو تفکیک دې وشي: ((کمپسیون باید وپوهېږي چې خلک په ۲۱ مه پېړۍ کې ژوند کوي.))

په ولسي جرگه کې د کونړ د خلکو استازي حاجي سخي مشواني بیا هغه خلک غندل چې په هېواد کې قومي مسایلو ته لمن وهي. ده وویل، د کونړ نفوس څلور سوه زره کسان دي، چې سم نیمایي یې په غرونو کې اوسي او له هغو دوه سوو زرو کسانو نه چې په ښارونو او هوازه کې اوسي سم نیمایي یې د نا امنۍ له امله رایه ورکولو ته نشي تللی. هغه وایی، د کونړ په ۹۶ مرکزونو کې په هر مرکز کې دوه سوه کسانو هم گډون نه دی کړی، خو اوس یې رایې ۲۰۵۰۰ زره رایې دي، چې اکثریت یې د اشرف غني لپاره کارول شوي دي: ((ورو ورو ماشومانو رایې ورکړي. حتی یوه سړي سل ځله رایه ورکړې. اسناد او شواهد یې له مور سره مستند شته.))

نوموړي خبرداری ورکړ، چې تل به د عبدالله ترڅنگ ولاړ او د خپلو خلکو له حقونو به دفاع کوي.

په پای کې په ولسي جرگه کې د هرات د خلکو استازي احمد بهزاد د ملي شورا گډه بیانیه ولوسته چې په کې د اصلاحاتو او همپالنې د تيم له غوښتنو په کې ملاتړ شوی او له نړۍ والې ټولنې تر هر څه ژر د دې ټاکنيز بحران د پای ته رسېدو غوښتنه شوې وه.

د ملي شورا یو لوی اکثریت غړو نن په یوې خبري ناسته کې د ټاکنيزې وروستۍ ستونزې په اړه د ډاکتر عبدالله عبدالله له دریځه ملاتړ وکړ او ویې ویل، چې په ډېری ولایتونو کې پراخې درغلۍ شوي دي.

دغو وکیلانو په خپلو خبرو کې پر حکومت او د ټاکنو کمپسیون نیوکه وکړه، چې د ټاکنو او دېموکراسۍ تر نامه لاندې یې له ملت سره جفا کړې ده.

د ولسي جرگې غړي حمیدالله توخي وویل، له بده مرغه چې په تېرو دوو ټاکنو کې ملت په ډېرو سختیو او ستونزو کې ځي رایه ورکوي؛ خو کمپسیونونه او حکومت پرې په ارگ کې معاملې کوي. نوموړي نیوکه وکړه، که چېرې په لومړي دور ټاکنو کې خلکو علني درغلۍ منلي نه وې؛ نو نن به په ټاکنو کې درغلۍ په یوه سوداگرۍ او دود نه بدلېدې.

هغه د ټاکنو کمپسیون خپلواک نه بلکې ټولواک وبله او زیاته یې کړه، تر هغه وخته به خپل اعتراض او مدني حرکتونه جاري ساتي چې د ملت حق یې نه را گرځولی.

د غونډې بل برخه وال د مشرانو جرگې غړی حق ویون و. هغه وایی په ټاکنو کې هغو خلکو درغلۍ وکړې، چې تل یې د حق چغې وهلې، چې اوس یې خپله حقونه تر پښو لاندې کړي دي. ده تاسف وښود، چې د اشرف غني احمدزي تيم له سیاسي مسایلو نه تل قومي او ژبنيو مسایلو ته لمن وهي او په ټولنيزه مېډيا کې د اشخاصو سپکاوی کوي. هغه قومي مسایلو ته لمن وهونکي پردي وبلل او د داسې خبرو د مطرح کوونکیو په حال یې افسوس وښود.

د سعادت په نوم د پارلماني گروپ مشر او د ولسي جرگې غړي سفي الله مسلم بیا نیوکه کوله چې په حینو ولایتونو کې د نفوسو په پرته ډېرې رایې کارول شوي چې د منلو وړ نه دي. هغه د ټاکنو خپلواک کمپسیون هم بې پرې ونه باله.

په ولسي جرگه کې د کندهار د خلکو استازې شکیبا هاشمي وبل چې، د حینو وگرو له لوري قوانین یرغمل نیول شوي او دخلکو له رایو سره یې جفا کړې ده.

د دې په وینا، څنگه ممکنه ده چې یو څوک په لومړي پړاو کې ۴۶ څلوېښت او بل څوک ۳۱ سلنه رایې یوسي؛ خو په دویم پړاو کې له ۳۱ فیصدو نه یې رایې ۶۱ سلنې ته لوړې شي، په دې کې ښکاره ده چې امرخیل، آدم خان سیرت او د کمپسیون او حکومت نور چارواکي لاس لري.

نوموړې زیاته کړه، چې په هېواد کې باید دېموکراسي ونه وژل شي، بلکې استبداد ته باید نور نه وویل شي. اغلې هاشمي وویل، په کمپسیونونو باور نه لرو، مگر د خپلو حقونو غوښتونکي یو او د خپلو رایو پوښتنه کوو.

دې وویل: ((غره ته نه خېږو، خو خپل حق غواړو، هر څنگه چې وي له خپلو حقونو نه تېرېږو، له خپلو رایو ساتنه کوو، ولو که زموږ د وینو په قیمت هم وي.))

په ولسي جرگه کې د کابل د خلکو استازي داوود کلکانی د غونډې بل برخه وال و، چې له دېموکراسۍ غوښتونکیو یې غوښتنه کوله، چې په افغانستان کې دې دېموکراسي نه

داستان کل:

تنش‌های انتخاباتی باید به شکل صلح آمیز حل گردد

انتخابات کدام قضیه جرمی به داستان برسد؛ آماده‌ایم تا آن را به صورت دقیق و همه‌جانبه بررسی کنیم.»

آقای الکو از هر دو نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری خواست تا به تنش‌های به وجود آمده نقطه پایان گذاشته و نگذارند افغانستان به سوی بحران برود.

این درحالی است که تنش سیاسی بین نامزدان دور دوم انتخابات و کمیسیون‌های انتخاباتی در کشور، طی روزهای اخیر به اوج خود رسیده است.

ستادهای انتخاباتی، دو نامزد کمیسیون مستقل انتخابات را به تقلب و تخلف در روز انتخابات متهم کرده و می‌گویند که این کمیسیون، مستقلانه و بی‌طرف عمل نکرده است.



داستانی کل کشور می‌گوید که تنش‌های به میان آمده انتخاباتی باید از راه مسالمت‌آمیز حل و فصل گردد.

محمداسحق الکو، داستان کل کشور روز گذشته در نشست خبری گفت: تنش‌ها باید از راه جرگه و مجالس حل گردد.

وی افزود که تا به حال در مورد جنجال‌های انتخاباتی هیچ گونه قضیه به دادستانی مواصلت نکرده است.

آقای الکو اظهار داشت: «هرگاه در مورد

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

- دفتار څارچې
- سه ماهه - ۱۰۰ دالر
 - شش ماهه - ۲۰۰ دالر
 - نه ماهه - ۳۰۰ دالر
 - یک ساله - ۴۰۰ دالر



- نارسیده به منزل یا دفتار
- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
 - شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
 - نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
 - یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



- سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
- یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰